

Unstable social development, unbalanced city and quality of urban life (Integrative and comparative view of the quality of life in Tehran)

Fatemeh Malekmohammadi¹

PhD Student of Cultural Sociology, Science and Research Unit, Islamic Azad University of Tehran, Iran

Asghar Mohajeri²

Assistant Professor of Sociology, Department of Social Sciences, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author)

Mehrdad Navabakhsh³

Professor of Sociology, Department of Social Sciences, Research Sciences Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Abstract: *The quality of urban life is a complex, dimensional, solid and largely stable structure and building that is built on the solid foundations of sustainable development and in a city with balanced development. Based on the inconsistency, conflict and conflict between the desirable state of the quality of urban life and its current state in the statistical population of the present study, a sociological survey in some areas of Tehran and urban scope of districts 10 and 17 of Tehran municipality, and in the quantitative and survey part of the research, 400 sample units/urban households were sampled using the G-power sampling method, which was made based on the research assumptions arising from the theoretical laws, the validity of which was estimated to be about 94% of Cronbach's alpha test, and the results of some similarities, and especially significant differences and variances in access to urban justice. The culture of urban poverty, poverty of urban space, widespread urban damages in these areas are noticeable and at the same time different and distinct, which in the test hypothesis of the research, a significant and determining contribution of each in explaining the quality of urban life in the neighborhoods of these areas was tested. In the test of the theoretical model of the research, it can be analyzed that the construction of the structure of urban quality of life in the 10th and 17th urban areas of Tehran Municipality from Bastar Ali has a culture of urban poverty with an impact factor of 46% and a weak background of the urban space with an impact factor of 26% that the birth and impact has it. The damages caused by urban damages called urban damages (with an impact factor of 14%) cause this path of urban life to determine about 85% in total.*

Keywords: *Sustainable development, quality of urban life, culture of urban poverty, urban damages, Tehran city.*

¹ Email: malekmohammadi.fa@gmail.com

² Email: asgharmohajeri@yahoo.com (Corresponding Author)

³ Email: navabakhsh@srbiu.ac.ir

توسعه اجتماعی ناپایدار، شهر نامتوازن و کیفیت زندگی شهری (نگاهی تلفیق‌گرا و تطبیقی به کیفیت زندگی در شهر تهران)

فاطمه ملک محمدی^۱، اصغر مهاجری^{۲*}، مهرداد نوابخش^۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۶/۱۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۳/۱۵

چکیده

کیفیت زندگی شهری، سازه و پیچیده، چندبعدی، محکم و تا حدود زیادی پایدار است که بر پایه‌های استوار توسعه پایدار و در شهری با توسعه متوازن بنا می‌شود. براساس ناسازگاری، تعارض و تناقض میان وضع مطلوب کیفیت زندگی شهری با وضع موجود آن در جامعه آماری پژوهش حاضر، بررسی جامعه‌شناختی با رویکرد تطبیقی، تلفیق‌گرا و بین‌رشته‌ای در برخی از مناطق شهر تهران به سامان آمد که بخشی از یافته‌های آن در مقاله حاضر تدوین و گزارش می‌شود. پژوهش مزبور با بهره‌مندی از روش‌های آمیخته و با حمایت نظام نظری تلفیقی در قلمرو و دامنه شهری مناطق ۱۰ و ۱۷ شهرداری تهران، انجام یافت و در بخش کمی و پیمایش پژوهش با شیوه نمونه‌گیری $G.power = 400$ واحد نمونه/خانوار شهری انتخاب و با ابزار گردآوری پرسش‌نامه که براساس فرض‌های پژوهشی برآمده از دل قوانین نظری ساخته شده که میزان روایی آن حدود ۹۴ درصد آزمون آلفا کرنباخ برآورد گشته، سنجش شدند که نتیجه برخی از آن‌ها در بخش تبیینی نوشتار حاضر، گزارش شده است. یافته‌های تطبیقی و توصیفی حاصل از اجرای کیفی پژوهش نشان می‌دهد که محله‌های دو منطقه مورد پژوهش دارای ویژگی‌های خاص، مشابهت‌ها و به‌ویژه تفاوت و وارپانس‌های قابل توجه در دسترسی‌ها به عدالت شهری هستند. فرهنگ فقر شهری، فقرضا شهری، آسیب‌های شهری گسترده در این مناطق محسوس و در عین حال متفاوت و متمایز است که در فرضیه آزمایشی پژوهش، سهم قابل توجه و تعیین‌کننده‌ای هر کدام در تبیین میزان کیفیت زندگی شهری محله‌های این مناطق آزمون شدند. در آزمون مدل نظری پژوهش می‌توان تحلیل کرد که بر ساخت سازه کیفیت زندگی شهری محله‌های مناطق ۱۰ و ۱۷ شهری شهرداری تهران از بستر علی فرهنگ فقر شهری با ضریب تاثیر ۴۶ درصدی و زمینه‌ای فقر فضای شهری با ضریب تاثیر ۲۶ درصدی که زایش و بازتولید آسیب‌های جدیدی به نام آسیب‌های شهری (با ضریب تاثیر ۱۴ درصدی) را موجب و از این مسیر کیفیت زندگی شهری را در کل حدود ۸۵ درصد تعیین می‌کند، حاصل می‌گردد. به عبارت دیگر عامل پیامدی سازه چندبعدی، پیچیده و پایدار ساختمان کیفیت زندگی شهری، ترجمان و بازنمایی زنجیره‌ای از عامل‌های ناشی از توسعه ناپایدار کشور و توسعه نامتوازن شهر تهران است که در قالب یک مدل علی به آزمون کشیده شده است.

واژگان کلیدی: توسعه پایدار، کیفیت زندگی شهری، فرهنگ فقر شهری، آسیب‌های شهری، شهر تهران.

^۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، ایران.

(E mail: malekmohammadi.fa@gmail.com)

^۲ استاد یارجمعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

(E mail: asgharmohajeri@yahoo.com)

^۳ استاد جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

(E mail: navabakhsh@srbiau.ac.ir)

مقدمه

زمانی که کشور و جامعه‌ی در فرایند توسعه ناپایدار قرار می‌گیرد، بی‌تعادلی در ساحت و فضای اجتماعی‌اش به‌عنوان کارکرد منفی و نشانه‌ی بی‌توازی آشکار و زنجیروار آسیب‌های بعدی نمایان می‌شود. این روند با مهاجرت و جابه‌جایی گروهی از یک محل مانند روستا به محل دیگری مانند شهر و به‌ویژه پایتخت و شهرهای بزرگ آغاز و با پی‌آمدهای منفی ناپایدار بازتولید شونده و مضاعف، استمرار می‌یابد. آشکارترین پیامد این جابه‌جایی نابه‌نگام و غیرطبیعی، توسعه نامتوازن شهرها است که مهم‌ترین تهدید و پیامدهای آن؛ ایجاد فقر شهری، شکل‌گیری حاشیه‌نشینی، بازتولید آسیب‌های شهری و در نهایت کاهش کیفیت زندگی شهری است.

هرچند کیفیت زندگی شهری یک عنوان بامسما، خوش‌نام، زیبا و دلربا است، اما در بسیاری از کشورها و شهرهای جهان، شهرهای ایران، شهر تهران و به‌ویژه در برخی از مناطق شهری آن که مشحون از آسیب‌های شهری است، یک مسئله‌ی پیچیده، چندوجهی، روبه‌تنش و بحران‌زا است. بررسی موضوع و دغدغه‌ی مزبور، به‌ویژه از بعد کیفیت زندگی شهری بسیار اهمیت دارد و افقی نو از پرسش‌ها و تامل‌های جدی و نگران‌کننده‌ای بر صاحب‌نظران دانش و پژوهشگران حوزه توسعه اجتماعی ایران و به‌ویژه سیاست‌گذاران و رهبران جامعه و به‌طور خاص مدیریت محلی می‌گشاید از این‌رو ضرورت بررسی بین‌رشته‌ای، تطبیقی و تلفیقی آن را دوچندان می‌سازد.

اگر مسئله را ناسازگاری بین وضع مطلوب (کیفیت زندگی شهری مطلوب و مورد انتظار) و وضع موجود (کیفیت زندگی شهری نامطلوب جامعه آماری پژوهش حاضر) تعریف کنیم، آن هنگام بر اساس واقعیت‌های قابل‌مشاهده میدانی، آمارها و گزارش‌های مستند موجود، باید مدعی شد که وضعیت و میزان کیفیت زندگی شهری برخی مناطق و محله‌های پایتخت کشور ایران، پایین، نامطلوب و نگران‌کننده است و این وضعیت ناگوار؛ با انتشار گسترشی، پیش‌رونده و روزافزون انواع گونه‌های آسیب‌های شهری و پخش فضایی آن در برخی از مناطق و محله‌های شهر تهران در حال رشد، هشدار و ویرانگری هست.

کیفیت زندگی شهری بسیاری از شهرنشینان شهرهای معاصر در جهان توسعه‌نیافته و یا در حال توسعه، نتیجه‌ی پیامدهای منفی توسعه ناپایدار کشور است. چراکه برخی روستانشینان و مناطق فقیر بر اساس باور کاذب و زعم‌شان که شرایط کیفیت زندگی شهری، مانند؛ فرصت‌ها و شانس‌های بهره‌مندی از خدمات معیار و مطلوب شهری، مسکن و دیگر الزامات استاندارد یک زندگی، در شهرها فراهم است و با «امید به زندگی و زیست شهری بهتر، به شهری با توسعه نامتوازن مهاجرت می‌کنند» (باقری و ذاکریان، ۱۳۹۹). این مهاجران پس از پناه آوردن به شهر، وضع مطلوب خیالی را تجربه نمی‌نمایند. چون که کیفیت زندگی شهری در ابعاد ذهنی و عینی‌اش، باید سطوحی از رضایت‌مندی، بهره‌مندی از امکانات را بر اساس استانداردهای از رفاه و شانس‌های زندگی داشته باشد که بتواند به زندگی سالم و توسعه بخش شهرنشینان کمک کند، اما این وضع مطلوب در بسیاری از شهرهای ایران هم‌چون جامعه آماری پژوهش حاضر وجود ندارد و وضع موجود کیفیت زندگی شهری آنان با وضع مطلوب کیفیت زندگی شهری‌شان، ناسازگار، متعارض و متناقض است. آنان با این که میل به تغییر این وضعیت را دارند اما در چنبره موانع و محدودیت‌های ناشی از تله بزرگ آسیب فقر شهری و به‌تبع آسیب‌های شهری ناشی از آن گرفتار می‌شوند و نمی‌توانند از وضع موجودشان عبور کنند و این بار زندگی‌شان به‌جای بوی فقر روستایی، بوی فقر شهری از نوع فقر مضاعف می‌دهد.

مسئله کیفیت زندگی و کیفیت زندگی شهری از دغدغه‌ها و مسئله‌های عمده جهانی است. بیش‌تر کشورهای جهان سوم و فقیر در تلاش هستند تا حدودی وضعیت کیفیت زندگی در کشورشان را بهبود بخشند. به‌دلیل اهمیت کیفیت زندگی و به‌ویژه کیفیت زندگی شهری، این وضعیت به‌طور مستمر و فرآیندی رصد و سنجش می‌گردد که نتایج آن در وب‌سایت‌های معتبر جهانی و سازمان‌های بین‌المللی ثبت و پایش می‌شود. این مسئله مهم جهانی، دغدغه عمده سیاست‌گذاران و رهبران جهان است. بر اساس

داده‌های وب‌سایت نامبو^۱ و در برآوردهای جدیدش از کیفیت زندگی در جهان، وضعیت و رتبه کیفیت زندگی بسیاری از کشورهای جهان سومی و در حال توسعه، نامطلوب است و وضعیت کیفیت زندگی کشور ایران در میان ۱۰۰ کشور، رتبه ۷۹ است و در اکثر پارامترها و شاخص‌های کیفیت زندگی^۲ رتبه ایران خیلی پایین بوده و حتی نتوانسته نمره‌ی بالاتر از ۸۰ که وضعیت پایین را نشان می‌دهد را به دست آورد و فاصله‌اش با کشورهای ممتاز در کیفیت زندگی مانند فنلاند، سوئیس، سوئد، لوکزامبورگ و ... بسیار فاحش و زیاد است. هم‌چنین نسبت به کشورهای منطقه و پیرامون که در فرآیند سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ با آن‌ها رقابت می‌کند، پایین‌تر و غیر قابل قبول هست. شهر تهران هم در میان شهرهای جهان وضعیت نامطلوب و پایین و در بسیاری شاخص‌ها بسیار پایین را دارد. چراکه مطابق تازه‌ترین ارزیابی وب‌سایت "نامبو" (۲۰۲۰)، کیفیت زندگی در شهر تهران را از نظر ۸ شاخص مورد مطالعه برای تعیین سطح کیفیت زندگی در رده ۲۲۵ جهان قرار داد. در این ارزیابی، در مقایسه با کانبرا به‌عنوان شهر معیار در کیفیت زندگی در سال ۲۰۲۰، تهران از نظر متوسط قدرت خرید شهروندان، امنیت، امکانات بهداشتی، قیمت مسکن، ترافیک، آلودگی هوا و اوضاع جوی در شرایط بدتری قرار دارد. این ارزیابی که بر پایه محاسبه میانگین شاخص‌های امنیت، آلودگی هوا، قیمت مسکن، ترافیک، هزینه زندگی، امکانات بهداشتی، قدرت خرید و اوضاع جوی انجام شده، نشان می‌دهد که ۱۰ شهری که ساکنان آن بالاترین کیفیت زندگی را در سال ۲۰۲۰ تجربه می‌کنند در چهار کشور استرالیا، آمریکا، سوئیس و نیوزیلند قرار دارند. پس بین وضعیت مطلوب با وضعیت موجود کیفیت زندگی شهری تهران، ناسازگاری و تناقض وجود دارد. این وضعیت در درون شهر تهران، هم دارای واریانس‌های زیاد و بسیار قابل توجه بوده و از این روی موضوع و مساله پژوهش حاضر را بسیار مهم و ضروری می‌سازد.

سایر شواهد و مستندات متعدد هم نشان می‌دهند که آسیب‌های فرهنگی اجتماعی در مناطق ده/۱۰ و هفده/۱۷ شهر تهران (قلمرو و جامعه آماری پژوهش حاضر)، بسیار زیاد و با واریانس متفاوت است. از طرف دیگر کیفیت زندگی شهری در این مناطق نامطلوب و پایین‌ترین است و شاخص‌های آن در برخی موارد نگران‌کننده است (واعظ مهدوی و همکاران، ۱۳۹۲). اکثر شاخص‌های کیفیت زندگی شهری در برخی مناطق تهران و به‌ویژه مناطق ۱۰ و ۱۷ شهرداری تهران نامطلوب و نگران‌کننده است (گزارش رصد کیفیت زندگی شهری، ۱۳۹۵، گزارش بازآفرینی شهری، ۱۳۹۹، گزارش اقدام مداخله‌ای توسعه بزرگ‌راه یادگار امام جنوب، ۱۳۹۹). بیش‌تر شاخص‌های کیفیت زندگی شهری در مناطق ۱۰ و ۱۷ شهر تهران، به‌ویژه در سرانه‌های شهری، بهداشت، آموزش، خدمات شهری، تراکم و کاربری‌ها، در سطح پایین و هشدار است (مهاجری و همکاران، ۱۳۹۷). اگر کیفیت زندگی شهری را برهم‌کنشی میان منابع، امکانات و فرصت‌ها و بسترهای فرهنگی و اجتماعی برای تأمین نیازهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، شهری، فردی و هم‌چنین دریافت، ارزیابی و رضایت افراد و گروه‌ها از برآورد شدن نیازهایشان در محلات مناطق ۱۰ و ۱۷ شهرداری تهران در نظر بگیریم، آن هنگام میزان رضایت از کیفیت زندگی شهری برخی از محله‌های این مناطق خیلی پایین است و در میان ۳۵۴ محله مورد پژوهش شهر تهران، جزو چند محله پایین‌تر شهر می‌باشد (گزارش رضایت شهروندان تهران، ۱۳۹۵).

در شفاف‌سازی و تاکید مجدد بر مسئله و در پاسخ پیش‌دستانه و مفروض، با مدد بینش‌های نظری بین‌رشته‌ای مرتبط با مسئله مزبور، باید گفت؛ توسعه ناپایدار کشور به‌عنوان یک عامل پیش‌ران و علی، موجب شکل‌گیری فرهنگ فقر شهری که ترکیبی از فقر مضاعف مانند؛ فرهنگ فقر اولی (انتقالی از مناطق فقیر روستایی و شهری مهاجر فرصت)، فقر فرهنگ شهری / شهرنشینی و فقر فضای شهری / حاشیه‌نشینی است، می‌شود و سپس با باز تولید آسیب‌های فرهنگی اجتماعی، کیفیت زندگی را تحت‌تاثیر قرار

^۱ "نامبو" بانک جامع داده و شاخص‌های کمی و کیفی زندگی در شهرها و کشورهای مختلف جهان است و پایگاه بین‌المللی داده‌سنجی محسوب می‌شود که در سال ۲۰۰۹ و در کشور صربستان پایه‌گذاری شده است.

^۲ در سنجش جهانی کیفیت زندگی، دامنه امتیازات از ۰ تا ۲۴۰ بر اساس شاخص‌های مهم محاسبه می‌شود. امتیازات ۰ تا ۸۰ کیفیت زندگی پایین، ۸۰ تا ۱۶۰ متوسط و ۱۰ تا ۲۴۰ کیفیت زندگی بالا محسوب و رده‌بندی می‌شود.

می‌دهد. در مقاله حاضر به صورت نوآورانه، مسئله و موضوع مزبور را در ساحت پژوهشی بین‌رشته‌ای (جامعه‌شناسی توسعه، فرهنگی، شهری، برنامه‌ریزی شهری و...) و در سطوح عینی و ذهنی (تلفیقی) بررسی و در یک نظام برهم‌کنشی و برساختی، سهم عامل‌های عمده و مهم اثرگذار چون؛ فرهنگ فقر شهری، فقر فضای شهری، آسیب‌های شهری (نتایج پی‌آمدی توسعه ناپایدار و شهر نامتوازن) را بر کیفیت زندگی شهری جامعه آماری پژوهش گزارش می‌کنیم و پاسخ می‌دهیم که چرا؟، چگونه؟ و در کدام فرآیند این عامل‌ها ایفای نقش و کنش‌گری می‌کنند و در بررسی تطبیقی مشخص می‌شود واریانس درون و برون خوشه‌ای کیفیت زندگی شهری در نمونه‌های پژوهش چه میزان است و چگونه توصیف و تبیین می‌شوند؟.

ادبیات تجربی و نظری

در محور موضوع و پرسش‌های مقاله حاضر، یافته‌های پژوهشی پژوهش‌گران برجسته و هم‌چنین نظریه‌های صاحب‌نظران صاحب‌نام در رشته‌های مختلف دانشی و پژوهش را جست‌ایم که برخی از آن‌ها را در ادامه به خلاصه مرور می‌کنیم. اولین مطالعاتی که به طور خاص در ایران به موضوع کیفیت زندگی شهری ناشی از توسعه ناپایدار و توسعه نامتوازن شهری پرداخته است، نوشتاری است تحت عنوان "زندگی و شهر، تجدید بنا و نوسازی مناطق و شهرها و کیفیت زندگی" که در سال ۱۳۵۵ توسط باقر پرهام به رشته‌ی تحریر درآمده است. از مهم‌ترین بخش‌های این نوشتار بحثی است که وی در ارتباط با مفهوم کیفیت زندگی و تفاوت‌های آن در جوامع شرقی و غربی با توجه به نوع و میزان توسعه‌یافته‌گی‌شان انجام داده است و بر تفاوت‌های زمانی و مکانی این مفهوم تأکید دارد. مطالعات تجربی مربوط به کیفیت زندگی در ایران به طور عمده جدید هستند و اکثر آن‌ها در دو دهه‌ی اخیر انجام پذیرفته‌اند که از آن جمله می‌توان پژوهش کوبی و همکاران (۱۳۸۴)، نجات (۱۳۸۷)، زبردست و همکاران (۱۳۸۸)، حاجی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۵)، پور طاهری و همکاران (۱۳۹۰)، خادم‌الحسینی و همکاران (۱۳۸۹)، پوراحمد و همکاران (۱۳۹۱)، احمدی و همکاران (۱۳۹۲)، زنگی‌آبادی و همکاران (۱۳۹۴)، محمدی و همکاران (۱۳۹۵)، توانا و نیستانی (۱۳۹۵)، فیروزی و همکاران (۱۳۹۶) و ... اشاره نمود. هم‌چنین تعدادی از پژوهش‌گران خارجی در تحقیقات مرتبط و یا به طور ویژه این موضوع را مورد توجه قرار داده‌اند؛ کلمن، فیلیپس و همکاران (۲۰۰۶ ۱۹۸۸)، داس^۱ (۲۰۰۸)، زینال و همکاران^۲ (۲۰۱۲) و ... غیره اشاره کرد؛ که در ادامه برخی دیگر از پیشینه‌هایی که مرتبط‌تر با موضوع مقاله حاضر هست را مشروح‌تر مرور می‌کنیم.

پیران (۱۳۸۴) پژوهشی در زمینه حاشیه‌نشینی و حلبی‌آبادهای شهر تهران و موضوع فقر در حلبی‌آبادی‌هایی که از فاصله سال‌های بعد از انقلاب در شهر تهران پدید آمده بودند، انجام داده است. در این مطالعه اجتماع آلونک‌نشین مناطق ۲، ۴، ۸، ۱۰، ۱۵، ۱۶، ۲۰، شهرداری تهران مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های پژوهشی او نشان می‌دهد، فرهنگ فقر به علت ضربه‌ای که مهاجرت‌های پس از انقلاب به آن دامن زده است، زمینه را برای فقرا به گونه‌ای فراهم کرده است که باعث کاهش کیفیت زندگی‌شان شده است و آن آمیدی که انقلاب به لحاظ سیاسی به آن‌ها داده بود، کم‌رنگ شده و احتمال خروج‌شان از صف حامیان انقلاب بیش‌تر شده است.

گنجی (۱۳۸۷) در یک بررسی پیمایشی درباره فقر و میزان رعایت قانون در بین حاشیه‌نشینان آخماقیه تبریز که به طور عمده از روستاها مهاجرت کرده‌اند، به این نتیجه رسیدند که قانون‌گریزی یک آسیب اجتماعی جدی است و فرهنگ فقر بسترهای مناسبی را برای قانون‌گریزی و توجیه اعمال قانون‌گریزانه فراهم آورده است و فرد را در موقعیت‌های هدف‌یابی به مکانیسم‌های خنثی و توجیه رفتار هدایت می‌کند تا به روش‌های فردی و غیرهنجاری عمل نماید و در نتیجه با ادامه انحراف اولیه، انحراف‌های ثانویه نمود پیدا کرده و میزان قانون‌گریزی افزایش می‌یابد.

¹ Das

² Zainal

سعیدی و همکاران (۱۳۹۱) در بررسی رابطه احداث پروژه‌های توسعه شهری و آسیب‌های اجتماعی، باهدف شناخت پیامدهای اجتماعی «پروژه سوله بازیافت پل کن» در منطقه ۹ تهران تهیه شده است، به این نتیجه رسیدند که مهم‌ترین پیامدهای اجتماعی این پروژه نه تنها به توسعه متوازن شهری کمک نمی‌نماید بلکه پیامدهای منفی (آلودگی زیست‌محیطی و بهداشتی، بیماری‌های تنفسی و بوی نامطبوع) پروژه زمینه بروز آسیب‌های اجتماعی، گروه‌های منحرف و کج‌رو (اعتیاد و فروش مواد مخدر) در میان کارکنان این مرکز ایجاد می‌کند.

برخی پژوهشگران در بررسی رابطه فضای شهری که عامل و معلول توسعه نامتوازن شهری است، به این نتیجه رسیدند که شهرهایی که در فرآیند توسعه ناپایدار رشد و گسترش می‌یابند، به‌نوبه خود به‌عنوان یک عامل مؤثر در فرآیند توسعه نامتوازن موجب بازتولید آسیب‌های اجتماعی و شهری می‌شود. کریمیان و همکاران (۱۳۹۵) پژوهشی با عنوان تحلیل و بررسی آسیب‌های فرهنگی اجتماعی در فضاهای شهری به این نتیجه رسیدند که در قرن حاضر که قرن انقلاب شهری نامیده شده است، رشد روزافزون جمعیت و توسعه شهرها در اثر توسعه ناپایدار کشور، زندگی شهری شهرنشینان را با مشکلات و آسیب‌های فرهنگی اجتماعی عدیده‌ای مواجه نموده است که این آسیب‌ها زمینه‌ساز بستری برای بروز ناهنجاری‌ها در فضاهای شهری برای شهروندان به‌خصوص جوانان در دوران بلوغ و نوجوانی است.

شاو^۱ و همکاران در پژوهشی که در سال (۲۰۱۲) در شیکاگو انجام دادند، دریافتند که جرائم شهری تحت تأثیر فضای مناطق خاص شهری هستند. کلیمن، باراستون و همکاران (۱۹۹۶) نشان می‌دهند کمبود رفاه اجتماعی و محرومیت نسبی هر دو میزان جرائم خشونت‌آمیز و ناامنی را پیش‌بینی می‌کنند. وقتی محرومیت نسبی بالا است، خشونت کمتری در کشورهای با نابرابری بالا وجود دارد. نابرابری درآمد بالا نیز میزان جرائم خشونت‌آمیز و احساس ناامنی بالا را پیش‌بینی می‌کنند؛ درنهایت، سطح پایین نابرابری درآمد نشان‌دهنده کاهش میزان جرائم خشونت‌آمیز و افزایش امنیت است. به‌علاوه افزایش نبودن محرومیت نسبی، اثر نابرابری درآمد بر جرائم خشونت‌آمیز را در تمام سطوح افزایش می‌دهد. همچنین تأثیر محرومیت نسبی در نواحی ثروتمند، قوی است. در نواحی با رفاه بالا، اثر محرومیت نسبی کارکرد یکسانی دارد. افرادی که بیشتر فقیرند، بیشتر احساس ناامنی می‌کنند؛ بنابراین، تعامل بین نابرابری امکانات رفاهی زندگی و محرومیت نسبی ناشی از توسعه یافته‌گی، کارکرد متفاوتی برای میزان جرائم خشونت‌آمیز و به تبع آن کاهش احساس امنیت شهروندان به‌همراه دارد.

برخی از پژوهشگران به ابعاد سازنده سازه و عامل اصلی موضوع مقاله حاضر توجه عمده نموده و یافته‌های قابل توجهی را در این مورد به‌دست آوردند. از جمله، زند و همکاران (۱۳۹۵)، در پژوهشی با عنوان سنجش شاخص‌های کیفیت عینی و ذهنی در زندگی شهری (مطالعه موردی: شهر خرم‌آباد) برای تحلیل و ارزیابی از سنجش کیفیت ذهنی زندگی نشان می‌دهند به‌طورکلی مردم شهر از لحاظ ذهنی از کیفیت زندگی خود راضی نیستند و میانگین رضایتمندی در اکثر گویه‌ها کمتر از حد متوسط است برخلاف میزان کم رضایت مردم از کیفیت ذهنی زندگی در بررسی کیفیت عینی زندگی در اکثر شاخص‌ها میزان برخورداری نسبتاً خوبی برای شهروندان خرم‌آباد وجود دارد. سلیمانی و همکارانش (۱۳۹۲) هم در پژوهشی با عنوان «سنجش کیفیت زندگی در محله‌های در حال گذار شهری (مورد مطالعه: محله دروازه شمیران از منطقه ۱۲ شهر تهران)» انجام دادند به این نتیجه رسیدند که اندازه‌گیری کیفیت زندگی معمولاً مستلزم کاربرد شاخص‌ها به شکل ذهنی یا عینی و به‌ندرت با هر دو نوع شاخص بوده است. محله‌های در حال گذار شهری با داشتن موقعیت ویژه، کیفیت زندگی متمایزی دارند، که ساکنان محلی را با فرصت‌ها و چالش‌های متعددی روبرو می‌سازند. هدف اصلی پژوهش حاضر سنجش کیفیت زندگی در محله‌های "در حال گذار شهری" با اتکا به شاخص‌های ذهنی بود و نتایج نشان می‌دهد که ۶۴/۳ درصد از ساکنان محله از کیفیت زندگی خود ناراضی هستند. بیشترین ناراضی‌تایی ساکنین مربوط به قلمرو محیط‌زیست محله و کمترین ناراضی‌تایی مربوط به قلمرو مسکن و کیفیت تسهیلات خدماتی

^۱ Shaw

بیشترین تأثیر را بر کیفیت زندگی ساکنین محله دروازه شمیران داشته است. بنا به استناد جامعه آماری، نتایج مطالعه نشان می‌دهد که "در حال گذار بودن" این محله در فرآیند توسعه نامتوازن شهر تهران، عاملی مهم در کاهش کیفیت زندگی ساکنین است.

مروری بر ادبیات مفهومی و نظری

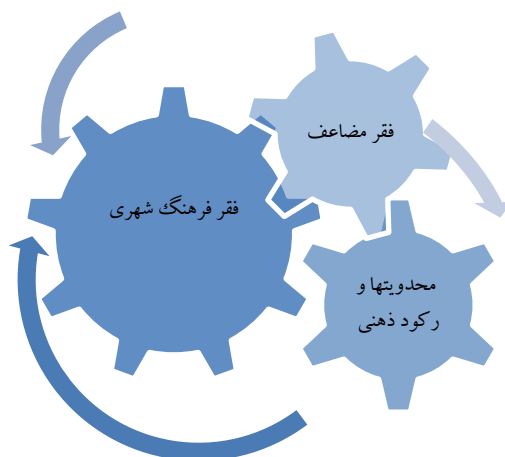
با توجه به این که عامل‌های تشکیل‌دهنده مدل پژوهش که اساس مقاله حاضر هست، متکثر، پیچیده و بین‌رشته‌ای است، از این روی، مفاهیم کلیدی، خوشه‌های نظری و پیش‌بینی تشکیل‌دهنده و حمایت‌کننده آن، از تنوع و تمایز برخوردار هست که تلاش می‌کنیم برای وحدت بخشی به مفاهیم اساسی، کثرت گزاره‌ها و مباحث نظری، آن‌ها را بر اساس قاعده و اولویت علی - معلولی، جمع‌بندی و گزارش کنیم.

عامل فرهنگ فقر شهری

عموم نظریه‌پردازان این حوزه، از یک‌طرف فقر را در کنار محرومیت می‌آورند و معتقدند این محرومیت است که دسترسی به فرصت‌ها، شانس‌ها و منابع زندگی را محدود می‌سازد و از طرف دیگر محرومیت / فقر ناشی از نابرابری و توسعه نیافته‌گی می‌دانند. بر اساس نظریات گیدنز، فقر نتیجه داشتن / نداشتن محرومیت از وسایل تولید است. به نظر او، سرمایه‌داران قدرت بیشتری نسبت به کارگران دارند زیرا دارای حق دسترسی و مالکیت بر ابزار تولید را دارا می‌باشند. فرانک پارکین همانند وبر^۱ و گیدنز معتقد است مالکیت، دارایی و وسایل تولید شالوده اصلی ساخت طبقاتی را تشکیل می‌دهند. مارکس معتقد است، فقر نوعی استراتژی برای تأمین رفاه سرمایه‌داری است.

بر اساس یافته‌های نظری مزبور و هم‌چنین اسکار (۱۹۶۴)، سلیگمن، سندهیل مولایتین (۲۰۱۳)، شفر و بنت گریو (۲۰۲۰)، فقر و فقر شهری نتیجه توسعه ناپایدار و به ویژه توسعه نیافته‌گی فرهنگی، تجمع باورها و رسوب فکری و فرهنگی تعیین بخش فقر در اذهان افراد است که آنان را درمانده ذهنی، رکود فکری و ناتوان در تشخیص و تمیز ترجیحات ارزشی و به ویژه ارزش‌های شهری و در یک مفهوم فرهنگ فقر شهری می‌نماید. نتیجه این فرآیند ایجاد محدودیت در دست‌رسی به منابع شهری از جمله فضای مطلوب شهری شده و آن‌ها را در تله فقر شهری گرفتار می‌سازد. هم‌چنین از نظرگاه بوردیو، افراد فقیر بنا به فقدان سرمایه‌های لازم و به ویژه سرمایه فرهنگی در کشمکش‌های میدان‌های شهری، بازنده هستند و در تله فقر شهری گرفتار می‌شوند. چنان چه شکل شماره ۱ نشان می‌دهد، فقر از طریق باورها، ذهن و فرهنگ، دسترسی افراد به منابع ارزشمند را محدود می‌سازد و در این میان فقر فرهنگ شهری، فرهنگ فقر و رکود ذهنی بسیار مهم است، چرا که بر اساس گزاره نظری سندهیل «فقر احمق می‌کند».

^۱ Weber



شکل شماره ۱. چرخه باورهای فرهنگی فقر مضاعف (پژوهش گر)

عامل فضای شهری

این نظریه گران گاه وحدت بخش بین رشته‌ای به‌ویژه در رشته‌های جغرافیای شهری، برنامه‌ریزی شهری، معماری، جامعه‌شناسی توسعه، فرهنگی، شهری و آسیب‌های اجتماعی است. صاحب‌نظران این نظریه ترکیبی معتقد هستند که فضا و در این مقاله، فضای شهری یک مفهوم چندبعدی هست که متغیرهایی مانند کالبد، مناسبات اجتماعی و سپهر فرهنگی و روانی در تشکیل آن بسیار مؤثر هستند. بر اساس این نظریه کیفیت زندگی و آسیب‌های اجتماعی و شهری در قالب فضایی شکل می‌گیرند که متغیرهای مزبور در تشکیل آن سهم بسزایی دارند.

بدیهی است پدیده‌های انسانی و رفتارهای فضایی برخاسته از آن در شهرها، ماهیت پیچیده‌ای و چند بعدی دارد. لذا می‌تواند تابع هر یک از فرایندهای فوق یا ترکیبی از آن‌ها باشد و در شکل‌گیری آن، فرهنگ و خرده‌فرهنگ‌هایی مانند فرهنگ فقر، فقر فرهنگ شهری و فرهنگ فقر انتقالی بسیار مهم هستند. در این میان، تحلیل الگوهای فضایی پدیده‌های اجتماعی و رفتارهای انسانی به‌ویژه در محدوده‌های مطالعاتی کوچک (شهر و محله‌های شهری) تأکید بیش‌تری بر کاربرد فرایند "انتشار گسترشی"^۱ و الگوهای "انتشار فضایی"^۲ آن دارند. چراکه با تبیین مناسبات فضایی و آثار متقابل میان نواحی و مکان‌ها، چارچوب نظری-تحلیلی مناسبی برای تحلیل الگوهای فضایی در این زمینه و با مقیاس‌های متناسب به دست می‌دهد. در الگوی فضای شهری، نقش تراکم‌ها و به‌خصوص، تراکم اجتماعی و تراکم فضایی بسیار جدی و اثرگذار است. تراکم اجتماعی بر تعداد افراد که باهم روابط و مناسبات دارند، تکیه دارد، درحالی‌که تراکم فضایی بر موقعیت تأکید می‌کند. تراکم فضایی اغلب با شاخص‌های تراکم جمعیت و تراکم ساختمانی بیان می‌شود اما دیگر شاخص‌ها و عوارض فضایی از جمله شبکه معابر و فعالیت‌های شهری (کاربری‌ها) نیز به نوبه خود سهم به‌سزایی در تراکم فضایی دارند.

عامل آسیب‌های شهری

در رویکرد جامعه‌شناختی برخلاف پژوهش‌های فردگرایانه و زیست‌شناختی، عوامل اجتماعی در بروز و شیوع آسیب‌های فرهنگی اجتماعی در اولویت تبیین‌ها قرار می‌گیرد. در این رویکرد، نظریه‌ها در خصوص آسیب‌ها نگاه بنیانی دارد و بر ویژگی‌های جامعه و

^۱ Expansion Diffusion

^۲ Spatial Diffusion

تأثیری که ساختار آن بر آسیب‌ها می‌گذارد متمرکز شده‌اند. این نظریه‌ها بر روی آسیب‌های شهری به‌عنوان نتایج توسعه نامتوازن شهری، بیشتر تمرکز می‌نمایند.

نظریه‌پردازان مکتب شهری شیکاگو، شهر را به‌عنوان کانون انواع نابسامانی‌ها و ناهنجاری‌ها مورد بررسی قرار می‌دهند. آن‌ها موضوع مهاجرت را به بزرگی و ناهمگونی شهر و در نتیجه بروز آسیب‌های پر شمار اجتماعی به‌خصوص کلان‌شهرها ارتباط می‌دهند که در پی آن، بسیاری از اخلاقیات و هنجارهای اجتماعی - که تنظیم‌کننده شیرازه روابط اجتماعی است - از بین رفته و یا تأثیرات آن‌ها کم‌رنگ می‌شود. شاو و مکی بر این باورند که بی‌سازمانی اجتماعی توانایی محله‌های شهری را برای تنظیم خودش از طریق کنترل‌های اجتماعی غیررسمی کاهش می‌دهد.

عامل کیفیت زندگی

مارانس (۲۰۱۶) برای ارزیابی کیفیت زندگی شهری در شهرها، دو رویکرد اساسی را معرفی می‌کند. رویکرد نخست، شامل نظارت بر کیفیت زندگی / کیفیت زندگی شهری از طریق مجموعه‌ای از شاخص‌های مشتق از داده‌های فضایی جمع شده از منابع اداری مانند سرشماری‌ها که گفته شده باید مربوط به کیفیت زندگی ادراک شده باشند (به‌عنوان مثال سطح درآمد خانواده، میزان جرم، سطوح آلودگی، هزینه مسکن و غیره)؛ از این دیدگاه به‌عنوان دیدگاه عینی یاد می‌شود. دومین رویکرد شامل مدل‌سازی روابط میان ویژه‌گی‌های محیط شهری و اندازه‌گیری ارزیابی‌های ذهنی از قلمروهای کیفیت زندگی مردم که شامل رضایت‌مندی از پدیده‌های خاص و از زندگی به‌عنوان یک کل است. این دیدگاه که به دیدگاه ذهنی شناخته شده، نوع داده‌های جمع‌آوری شده از میان روش‌های تحقیق زمینه‌ای و داده‌های تحلیل شده از طریق روش‌هایی مانند تحلیل رگرسیون یا مدل‌های چند ساختاری را درگیر می‌کند. در نهایت لازم است که ماهیت و درجه ارتباط میان ابعاد عینی و ارزیابی ذهنی افراد آزموده شود، کاری که پژوهش حاضر آن را انجام می‌دهد.

جمع‌بندی نظریه‌ها و چارچوب نظری

در جمع‌بندی نظریه‌های پژوهش با ارائه نظریه‌های بین رشته‌ای و به‌ویژه در پارادایم نظریه‌های تلفیقی جامعه‌شناسی مرتبط با عامل‌های پژوهش، تلاش نمودیم تا نظام نظری پژوهش نوشتار حاضر را چارچوب‌بندی نماییم. این نظام نظری شامل نظریه‌های ساختی - عاملیتی گیدنز، نظریه میدان، سرمایه و منش بوردیو، نظریه فضای شهری، امیدهای اجتماعی و فضاها بی‌دفاع شهری دیوید هاروی (۲۰۱۰ و ۲۰۱۶) و نظریه‌های تلفیقی و ترکیبی کیفیت زندگی است.

در ساخت‌یابی، شرایط سازمان دادن مستمر یا تغییر شکل ساخت‌ها است که به بازتولید نظام‌های اجتماعی می‌انجامد (گیدنز^۱، ۲۰۰۶). بر اساس نظریه ساختی - عاملیتی گیدنز، نوع و میزان آسیب‌های اجتماعی، بازتولید آن‌ها، ساختارهای کالبدی و فضای شهری به دلیل حضور عامل قدرتمند فرهنگ فقر شهری و مؤلفه‌های اصلی تشکیل‌دهنده این عامل یعنی؛ فرهنگ فقر اولی / انتقالی، فقر فرهنگ شهری / شهرنشینی، فقر شهری و فرهنگ فقر عام / مضاعف است که در فضای شهری ساکن و هم‌افزا می‌شود و کیفیت زندگی شهری در یک بازی دوسویه عامل‌ها (عاملیتی) و ساختارها (ساختی) بر ساخت می‌کند.

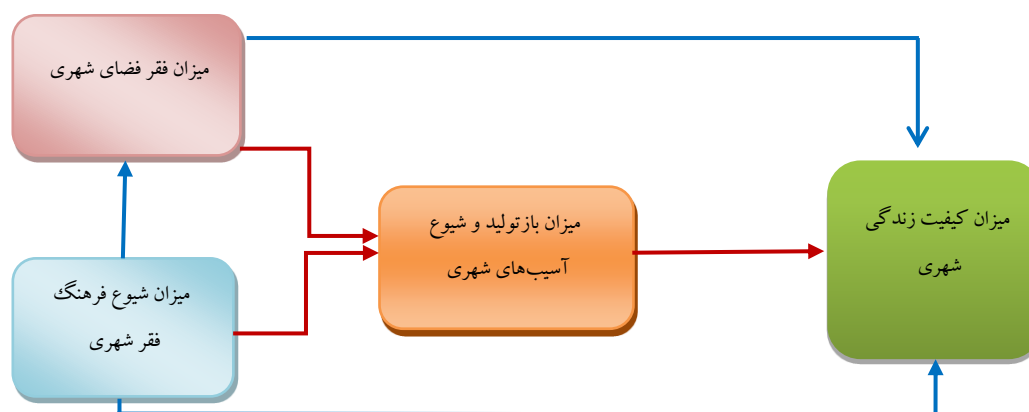
بر اساس نظریه بوردیو و با توجه به مفاهیم کلیدی و مثلثی میدان، عادت‌واره / منش و سرمایه، شهرنشینان یک محله و شهر بر اساس عادت‌واره / منش‌ها و سرمایه‌ها (به‌ویژه سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی) خود برای رقابت و فعالیت وارد عرصه میدان‌های محل زندگی خود می‌شوند و در تعامل این سه مفهوم و ویژه‌گی‌های آن، مدالیت‌ها شکل می‌گیرد که حاصل آن آسیب‌های شهری هست. در فرایند تعاملی بین ابعاد ذهنی و عینی منش ساختارپذیر و ساختاربخش شهرنشینان، کیفیت زندگی‌شان بر ساخت می‌شود.

^۱ Giddens

این برساخت‌ها بر اساس ذهن‌های کنش‌گران که متأثر از باورهای فرهنگی شهری‌شان است و عادت‌واره/ منش‌هایشان را شکل داده، در تعین‌پذیری از واقعیت و عینیت‌های زندگی‌شان مانند فضای شهری، میدان‌ها و مدالیت‌ها، تولید و بازتولید آسیب‌های شهری، برساخت کیفیت زندگی‌شان تعیین می‌بخشد. نظریه بوردیو در مورد ابعاد ذهنی و عینی کیفیت زندگی و آشتی آن دو و به‌ویژه نقش ممتاز تعین‌بخش شبکه‌ها و میدان‌های اجتماعی در تولید و بازتولید آسیب‌های شهری و تعین‌پذیری کیفیت زندگی‌شان، توصیف و تبیین‌کنندگی خاصی دارد.

با توجه به نظریه دیوید هاروی و بر اساس مفاهیم کلیدی فضای شهری، امیدهای اجتماعی، فضاهای بی‌دفاع شهری، نقش فضای شهری به ماهو فضای شهری در تولید و بازتولید آسیب‌های اجتماعی/ شهری و در برساخت کیفیت زندگی بسیار مهم هست. از این‌رو فضای شهری مطلوب به‌عنوان یک عامل زمینه‌ای بین نقش عامل راهبری باورهای فرهنگی در حوزه عامل فقر فرهنگ شهری در افزایش امیدهای اجتماعی با کاهش و تعدیل آسیب‌های اجتماعی و افزایش کیفیت زندگی نقش مهمی بازی می‌کند.

رویکرد تلفیقی کیفیت زندگی مارنس (۲۰۱۱)، فرانس (۱۹۹۶)، ماینس (۲۰۰۶)، لیبی (۱۹۸۹) و بونک (۲۰۰۸) با تلفیق دو رویکرد ذهنی/ عینی و عاملیت‌گرا/ ساختارگرا، دید جامع‌تری در رابطه با کیفیت زندگی مطرح می‌کند. توجه روزافزون به کیفیت زندگی به‌عنوان سازه‌ای ترکیبی باعث شده که بر تعداد قلمروها یا حوزه‌های مطالعاتی این سازه افزوده شود. لیبی (۱۹۸۹) معتقد است که سه حوزه محیطی، اجتماعی و اقتصادی سه ستون اصلی کیفیت زندگی هستند که می‌توانند برای تشخیص مفهوم زندگی مناسب و پایدار و هم‌چنین برای توضیح معنای کیفیت زندگی مورد استفاده قرار گیرند. بونک (۲۰۰۸) هم سه حوزه مهم که به بررسی کیفیت زندگی می‌پردازند را شامل روانشناسی، جامعه‌شناسی و اقتصاد می‌داند. روان‌شناسی ویژه‌گی‌های شخصیتی را بر رفاه و به‌زیستی ذهنی مؤثر می‌داند. جامعه‌شناسی بر نقش الگوها و عوامل اجتماعی و جمعیتی بر رفاه و به‌زیستی ذهنی تأکید دارد و نهایتاً اقتصاد نقش درآمد را در رفاه و به‌زیستی ذهنی مهم‌تر از سایر حوزه‌ها می‌داند. با توجه به مباحث مطرح‌شده در زمینه کیفیت زندگی می‌توان سه ویژگی مهم برای این سازه برشمرد. این ویژگی‌ها شامل چند بُعدی بودن کیفیت زندگی، ذهنی بودن آن و پویایی این سازه است. در ادامه تلاش می‌کنیم مدل مفهومی پژوهش را بر اساس نظریه‌های تلفیقی وفادار به سطوح خرد و کلان از یک‌طرف و ذهن و عین از طرف دیگر، طراحی نماییم.



شکل ۲- مدل مفهومی پژوهش: بازنمایی آسیب‌های فرهنگی اجتماعی ناشی از توسعه نامتوازن شهری در کیفیت زندگی شهری (پژوهش‌گر)

روش پژوهش

معرفت‌شناسی دانشی و روش‌شناسی که بر اصول بنیادی فلسفه علم و نظریه دانش استوار است، در هر پژوهش علمی و نظام‌مند

بسیار مهم و استفاده از آن سودمند و تضمین‌کننده یافته‌های پژوهشی است (نیومن^۱، ۱۹۹۷). پژوهش یک سازه اجتماعی است که با ویژه‌گی‌های چستی؟، چرایی؟ و چگونه‌گی؟ باید سامان یابد (ایمانی، ۱۳۸۹). بر اساس ماهیت موضوع پژوهش که مبنای مقاله حاضر است، رویکردها و به‌حکم روش‌شناسی، روش پژوهش از نوع "ترکیبی / آمیخته هم‌زمان"^۲ و "ترکیبی متوالی"^۳ هست. با توجه به ساختار پرسش‌های پژوهش و برای کشف واقعیت‌ها، ظرفیت‌ها و واقعیت موجود مرتبط با موضوع و پرسش‌های پژوهش در اجتماعات محلی و جامعه آماری پژوهش، از یک طرف می‌بایست با چراغ رویکرد استقرایی و با بهره‌مندی از روش‌های کیفی، به کشف این واقعیت‌ها می‌پرداختیم و از طرف دیگر با توجه به مدل مفهومی، چارچوب نظری و فرضیه‌های پژوهش می‌بایست با رویکرد قیاسی و با بهره‌مندی از مطالعات پیمایشی در قالب روش‌های کمی در پی کشف و آزمون فرضیه‌ها می‌بودیم، از این روی، روش‌های پژوهش حاضر "ترکیبی"^۴ از انواع هم‌زمان و متوالی است.

به عبارت دیگر؛ از یک طرف به دلیل فقدان مطالعات کافی و پیشینه پژوهش در قلمرو جامعه آماری می‌بایست مطالعات اکتشافی انجام می‌گرفت تا وضعیت میدان پژوهش و ساحت آن روشن و شفاف شود. هم‌چنین وضعیت فضای شهری به شیوه‌های روش میدانی مانند مشاهده و تصویربرداری می‌شد و شیوع جغرافیایی گونه‌های آسیب‌های شهری و رتبه آن‌ها به شیوه‌ها و فن‌های تخصصی رتبه‌بندی و مشخص می‌گشت. هم‌چنین تعیین و رتبه‌بندی مولفه‌های تشکیل‌دهنده فرهنگ فقر شهری و میزان نفوذ جغرافیایی آن‌ها به شیوه مصاحبه‌های عمیق و نیمه ساخته در جامعه آماری تعیین و مشخص می‌شد. از این روی به ضرورت، نیازمند استفاده و بهره‌مندی از روش‌های کیفی بودیم و به همین جهت از ابزارهای گردآوری داده‌ها، شیوه‌ها و فنون مرتبط با این روش‌ها استفاده می‌کنیم و هم‌چنین در جستجوی وجود/عدم وجود برخی متغیرهای عمده و مؤثر جمعیتی که در ساحت و ساختار جامعه آماری پژوهش، از روش‌های کیفی دیگر که اسنادی (گزارش‌های مرکز آمار ایران، سال ۱۳۹۵ و یا سایر گزارش‌های آماری سازمان‌ها و ... مانند مدیریت شهری تهران) است به ضرورت استفاده می‌نماییم. از طرف دیگر برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از روش کمی پیمایش کیفیت زندگی بهره می‌جوییم و یا برای آماده کردن برخی داده‌ها و اطلاعات جهت آزمون و به‌ویژه تحلیل سطوح ساختاری و کنشی پژوهش و یا مقایسه‌ها درون و برون خوشه‌ها و تکمیل مطالعه جامعه‌شناسی تطبیقی از خرده پیمایش‌ها در قالب روش‌های کمی بهره می‌بریم؛ و مهم‌تر از روش‌های کیفی و کمی توأمان در حوزه مهندسی و برنامه‌ریزی شهری استفاده کردیم تا بتوانیم برای طراحی و تدوین نقشه‌های محله‌ها و یا گزارش‌های پدیده‌ها و واقعیت‌های اجتماعی و شهری که به موضوع و پرسش‌های پژوهش حاضر بود مانند GIS و ... استفاده کنیم.

جدول ۱. توزیع روش‌ها و ابزارهای گردآوری داده‌ها، جوامع آماری، شیوه نمونه‌گیری و جمعیت نمونه‌ها، بر اساس پرسش‌های کلیدی / مفاهیم اساسی، محل و شیوه ارائه یافته‌های پژوهشی

رویکرد	روش‌ها و ابزارها		جامعه آماری و نمونه			محورهای پژوهش و رواداری	یافته‌ها و آرایه در گزارش	
	ابزار گردآوری	روش	جامعه آماری	شیوه نمونه‌گیری	حجم نمونه		محل ارائه	شیوه ارائه
کمی	پرسش‌نامه	پیمایش و خرده پیمایش‌ها	گروه‌ها، صنوف و خانوارهای مناطق	G.power	حدود ۴۰۰ نفر در ۲ منطقه	پرسش‌های کمی پژوهش (میزان روایی با آلفای ۹۴ درصد)	بخش تبیینی	فرض‌آزمایی و تبیینی
کیفی	پرسش‌نامه، فیش‌نامه و مشاهده نام‌ها	فوکوس گروپ‌ها، مصاحبه‌ها، مشاهدات و ...	مردم، متخصصان، گروه‌های مختلف و متعدد	هدف‌مند، فضایی، گلوله برفی و ...	۲۶ نفر در ۲ محله	پرسش‌های کیفی پژوهش (اشباع پژوهش‌گر)	بخش توصیفی	توصیفی و تحلیلی

¹ Neuman, W.L.

² Simultaneous combination

³ Consecutive combination

⁴ combined

یافته‌ها

با توجه به دامنه وسیع یافته‌های پژوهش که اساس مقاله پژوهشی حاضر هست، تلاش می‌کنیم تا آن‌ها را به صورت چکیده و موجز در دو بخش توصیفی (شامل یافته‌های حاصل از روش‌های اسنادی، فوکوس گروپ، مشاهدات میدانی و ...) و تبیینی (نتایج حاصل از فرض آزمایی) توصیف، تبیین و تحلیل نماییم.

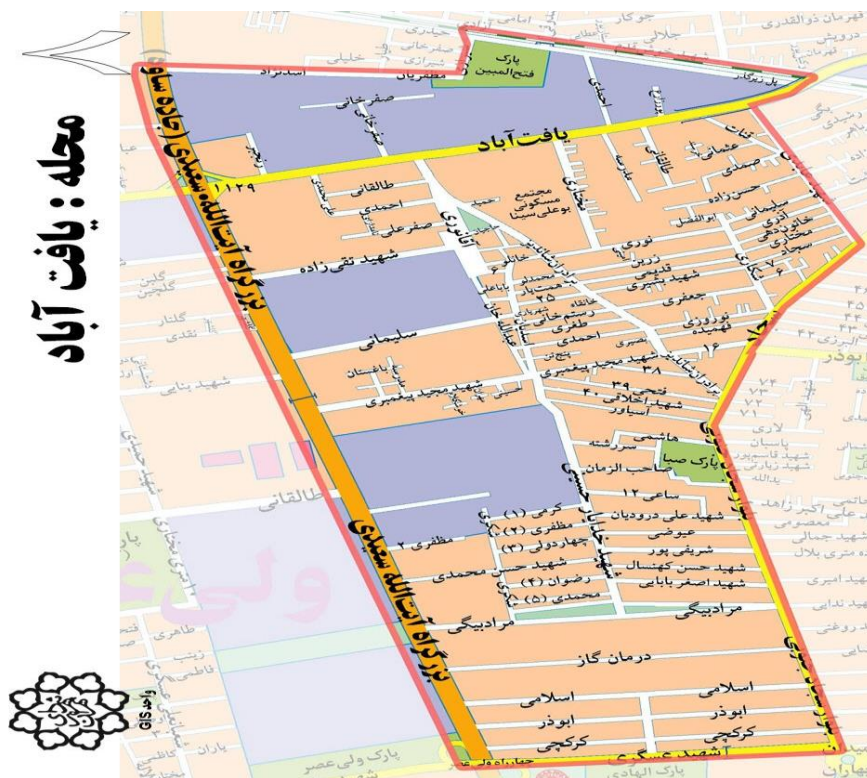
یافته‌های توصیفی / کیفی



شکل ۳- توزیع گرافیکی محله هاشمی منطقه ۱۰ شهرداری تهران

یافته‌های میدانی پژوهش (مشاهده‌ها و مصاحبه‌ها) و نتایج فوکوس گروپ تخصصی و برخی از خرده پیمایش‌ها نشان می‌دهد که فضای کالبدی محله هاشمی نه تنها شرایط را برای بازتولید جرائم و آسیب‌های شهری فراهم می‌سازد، بلکه ساختارهای کالبدی آن به نحوی هست که از طریق میدان‌ها و مدالیت‌های مختلف موجب شیوع این آسیب‌ها، جرائم و ناامنی‌ها می‌شود. طراحی خیابان‌ها، کوچه‌ها، پارک‌ها، بوستان‌ها و مکان‌های عمومی مانند حمام‌های عمومی و ... موجب شیوع شدید آسیب‌های شهری مدالیت‌محور از جمله میدان‌های فروش و مصرف مواد مخدر، حضور زنان خیابانی، تراکم ارادل‌واوباش است. علاوه بر این، فقر فضای شهری موجب شریان‌های ترافیکی زیاد، تراکم کالبدی فشرده با اختلال در سرانه‌ها، بافت‌های فرسوده، پیاده‌روها، بوستان‌ها و توزیع مراکز خدماتی، بسیار نامناسب و آسیب‌زا می‌شود.

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد محله هاشمی با بافت فرسوده، ترافیک، آسیب‌های شهری، خانه‌های مجردی و از جمله محله‌های آسیب‌دیده شهر تهران محسوب می‌شود. در ارتباط با کاربری‌ها، از مجموع سطوح محله به میزان ۴۹/۴ هکتار (معادل ۷۵ درصد) به کاربری مسکونی اختصاص یافته است. بافت فشرده با قطعات زمین بسیار کوچک، سطح قابل ملاحظه‌ای از محله را اشغال کرده است. فشردگی و تراکم شدید جمعیت در این محله بارز است. مقایسه شاخص‌های محله با متوسط وضعیت در سطح شهر تهران حاکی از فرسودگی بافت مسکونی و نازل بودن کیفیت سکونت در این محله است.



شکل ۴. تصویر گرافیکی محله یافت آباد منطقه ۱۷ شهرداری تهران

محله یافت آباد در ناحیه ۱ و در شرق منطقه ۱۷ شهرداری شهر تهران واقع شده است. مساحت این محله حدود ۶۲ هکتار محاسبه شده که بزرگراه آیت الله سعیدی در مجاورت آن قرار دارد. منطقه ۱۷ شهرداری تهران از شمال به راه آهن تهران- تبریز، از شرق به بزرگراه شمالی - جنوبی نواب و از غرب به بزرگراه آیت الله سعیدی و از جنوب به بهاران محدود می شود. نوع بافت محله تجاری و مسکونی است. این محله از نظر مراکز خرید بورس مبل ایران و تهران است و بزرگترین و باکیفیت ترین بازار مبل و صنایع چوبی در ایران هست که در این منطقه و محله، بزرگترین بازارها و بازارچه های مبل و صنایع چوبی را مشاهده می کنیم. این منطقه در محدوده طرح ترافیک و طرح زوج و فرد نیست و ساکنان سایر مناطق شهری تهران به راحتی می توانند با اتومبیل های شخصی برای خرید به این مراکز و محله مراجعه نمایند. در این منطقه ایستگاه مترو وجود ندارد و نزدیک ترین ایستگاه متروی این بازار ایستگاه آزادی و قلعه مرغی است. اصلی ترین و بزرگترین مراکز این بازار به سه دسته ۱- بازار مبل شماره یک ۲- بازار مبل شماره دو ۳- بازار مبل شماره سه تقسیم می شوند.

جمع بندی و تحلیل تطبیقی نیم رخ جامعه آماری فراگیر

بر اساس یافته های پیمایشی و پویشی پژوهش (مشاهدات و مصاحبه ها) و همچنین بهره مندی از یافته های اسنادی پژوهش^۱، مواد ذیل در قلمرو وضعیت حوزه و دامنه فراگیر جامعه آماری پژوهش و سایر محله های جامعه آماری (برون خوشه ها) و محله های نمونه پژوهش (درون خوشه های پژوهش) به شرح ذیل محسوس و قابل تأمل هست. توصیف و تحلیل های مقایسه ای نشان می دهد، محله های پژوهش دارای واریانس قابل توجه و متفاوتی از وضعیت جامعه (مناطق) فراگیرشان دارند. این مقایسه هم چنان بیان گر این است که یک قاعده و فرمول واحد برای همه محله های مناطق وجود

^۱ در پژوهش مزبور به غیر از یافته های کیفی مزبور از یافته های پژوهش مرتبط گروه مطالعاتی همسو مانند؛ آمار تفصیلی سرشماری ۱۳۹۵، گزارش مهندسی مشاور هگزا (۱۳۹۹)، وب سایت های مدیریت شهری، گزارش شهر دوستدار کودک و بازآفرینی شهری محور ابوذر و ... هم بهره بردیم.

ندارد. به عنوان مثال در مقایسه میانگین‌های مساحت بنا مشخص شد، با اینکه منطقه ۱۰ شهرداری، ریزدانه‌ترین منطقه تهران هست و از ۲۲ منطقه رتبه ۲۲ را دارد ولی منطقه ۱۷ در هم‌جواری آن وضعیت بهتری دارد اما محله‌های هر دو منطقه که در بلافضل محور احداث بزرگ‌راه یادگار امام جنوب قرار دارند، دارای وضعیت یکسان و مشابهی هستند. میانگین مساحت محله‌های هر دو منطقه در حوزه بلافضل حدود ۷۵ متر است در صورتی که میانگین مساحت بناهای منطقه ۱۰ شهرداری، ۱۲ متر کمتر از منطقه ۱۷ هست. محله‌های منطقه ۱۰ و به‌ویژه محله هاشمی با ۷۴ درصد بیش‌ترین و منطقه ۱۷ با حدود ۵۰ درصد کمترین میزان مالکیت بر املاکشان را دارند و هاشمی‌ها مالک‌ترین و یافت‌آبادی‌ها مستأجرترین هستند.

"ساختار قومی"^۱ و فرهنگی محله‌ها بسیار قابل‌تأمل هست. هرچند اکثر شهروندان این مناطق و محله‌ها، دارای منشاء شهرستانی و به‌طور عموم غیر تهرانی هستند ولی تنوع فرهنگی و "قومی"^۲ آن‌ها هم قابل‌تأمل هست. محله‌های یافت‌آباد و هاشمی با ۵۶ و ۳۵ درصد گویش آذری بیش‌ترین تمایزات فرهنگ قومی را دارا می‌باشند. احساس تعلق محله‌ی و روابط محلی و نظامات اجتماعی حاکم بر تعاملات آن‌ها، سنتی، از نوع سرمایه اجتماعی عمودی و قوم‌محور هست و غریبه‌گی شهری در آن‌ها کم‌تر معنی دارد. "محل استقرار و نفوذ گروه‌های مرجع غالب در منطقه ۱۷ از نوع اقتصادی، مدنی و در منطقه ۱۰ مذهبی - سنتی است" (ناظری و همکاران، ۱۳۹۹).

محله‌های پژوهش به‌طور عمده مهاجران فراملی/ خارجی (محللات مناطق ۱۰)، فرا شهری/ شهرستانی و محله‌های منطقه ۱۷ به‌طور عموم کارگر و فرا منطقه‌ای هستند که این نوع مهاجرت و الگوی جابه‌جایی موجب شده است افرادی از این مناطق (به‌ویژه منطقه ۱۰) از پایین‌دست شهر تهران برای مهاجرت به مناطق بالای شهری و یا بالعکس عمل کنند. میزان توسعه‌یافتگی هر دو محله از میانگین شهر تهران پایین‌تر هستند و از شرایط مطلوبی برخوردار نیستند.

شرایط شکل‌گیری مدالیت‌های آسیب و جرم‌زا در منطقه ۱۰ بالا است و شرایط شکل‌گیری مدالیت‌های اقتصادی و سالم در منطقه ۱۷ مستعدتر هست. از این‌روی در این مناطق واریانس‌ها هم از جهت گونه‌های مدالیت‌ها و همه از حیث سرعت و میزان شکل‌گیری آن‌ها زیاد است.

باین‌که وضعیت ساختمان جمعیت در حوزه و دامنه بلافضل و فراگیر جامعه آماری با باورهای فرهنگی سنتی، قوم‌مدارانه، مهاجرت‌پذیری، آسیب‌های اجتماعی هم‌خوانی دارد، از این‌روی سن سرپرستان خانواده محله هاشمی با میانگین حدود ۵۵ سال، جنسیتشان با میانگین ۸۷ درصد مرد و تحصیلاتشان با میانگین ۸ کلاس سواد، محل تولد ۵۹ درصد تهرانی، قوم و گویش آذری حدود ۳۵ درصد و ... بسیار متفاوت از محله یافت‌آباد هست و واریانس‌های قابل‌تأملی دارند. سن سرپرستان خانوار محله یافت‌آباد با میانگین ۴۷ سال سن، با ۸۹ درصد مرد، تحصیلات ۸ و نیم کلاس، اشتغال حدود ۷۱ درصد، قوم و گویش آذری با حدود ۵۷ درصد، محل تولد حدود ۵۰ درصد تهرانی و ... بسیار متفاوت از محله هاشمی هست.

جمعیت شناور محله‌های پژوهش هم به لحاظ گونه‌شناسی و هم به لحاظ موقعیت‌های جغرافیایی بسیار قابل‌تأمل هست. به دلیل نوع اقتصاد حاکم در منطقه ۱۷ با محوریت بازارهای مبل، نوع بافت مذهبی، اجتماعی، آسیبی و تجاری و در منطقه ۱۰ با محوریت مذهبی و سنتی با مشتریان درون منطقه‌ای و بازارهای تجاری مانند بازار پارچه با مشتریان برون و فرا منطقه‌ای، فضاهای خاص سکس و عرصه‌های جنسی با مشتریان فرا منطقه‌ای در منطقه ۱۰ و وجود ایستگاه‌ها و گره‌های خاص ترافیکی در سه‌راه آذری/ شمشیری، میدان بوتان، یافت‌آباد و بازار مبل و هم‌چنین وجود برخی بزرگ‌راه‌های فرا منطقه‌ای مانند بزرگ‌راه آیت الله سعیدی، یادگار امام با کارکردهای خاص ترافیکی و...، جمعیت شناور این مناطق و اجتماعات محلی از نوع و گونه‌گذری و ماندگار در درون منطقه هست و در نتیجه کاراکترها و نقش‌های خاصی را معرفی می‌کند.

¹ Ethnic structure

² Ethnic

بررسی متغیر اشتغال، نشان می‌دهد این شاخص در محله‌های منطقه ۱۰ کمتر و محله هاشمی حدود ۴۷ درصد و برای منطقه ۱۷ بیش‌تر و برای محله یافت‌آباد حدود ۷۱ درصد هست.

میزان مالکیت املاک و مساکن، شهروندان در محله‌های منطقه ۱۷ خیلی کمتر و ۵۰ درصد است. این عدد برای منطقه ۱۰ با ۷۲ درصد بیش‌ترین هست. با توجه به وضعیت پارکینگ (کمتر از ۴۰ درصد دارای پارکینگ برای اتومبیل هستند)، این مورد یکی از معضلات جدی این مناطق است. میانگین قدمت بنای محله‌های مناطق ۱۷ و ۱۰ متفاوت و واریانس بیشتری دارند. محله هاشمی با حدود ۳۳ سال بسیار فرسوده و محله یافت‌آباد با ۱۸ سال از فرسودگی کمتری برخوردار است. وضعیت قدمت ساختمان همانند سایر متغیرها، مانند ریزدانی و ... بسیار متفاوت و معنی‌دار است.

فرهنگ فقر شهری^۱

با ترکیب و کامپیوت کردن ابعاد تشکیل‌دهنده فرهنگ فقر شهری، نمره کلی این فرهنگ در محله‌های پژوهش به دست آمد که در جدول شماره ۲ نتایج آن را گزارش می‌کنیم. تلاش می‌کنیم تا تفاوت‌های درون خوشه و برون خوشه‌ای ابعاد تشکیل‌دهنده فرهنگ فقر را به شیوه مقایسه‌ای و تطبیقی، مشخص کنیم.

جدول ۲. توزیع نسبی نمونه‌های پژوهشی بر اساس نظرات‌شان در مورد توزیع ابعاد فرهنگ فقر شهری محله‌شان

میزان شیوع در محله و رتبه		ابعاد فرهنگ فقر شهری
یافت‌آباد	هاشمی	
٪	٪	
(۴)۴۳	(۱)۷۳	فقر فرهنگ شهری/شهرنشینی
(۳)۳۹	(۳)۶۹	فرهنگ فقر انتقالی/اولی
(۲)۴۹	(۴)۶۷	فقر شهری/اقتصادی
(۱)۵۵	(۲)۷۲	فرهنگ فقر عام
۴۷	۷۰	میانگین

با توجه به نتایج و یافته‌های جدول شماره ۲ در محله هاشمی، وضعیت فرهنگ فقر اولی/انتقالی با رتبه ۱ و فرهنگ فقر عام/مضعف با رتبه ۲ بسیار زیاد است این وضعیت در محله یافت‌آباد این گونه است که وضعیت فرهنگ فقر عام رتبه ۱ و فرهنگ فقر انتقالی رتبه دوم را دارد. در مجموع بر اساس نظرات ۷۰ درصد پاسخ‌گویان، محله هاشمی در فرهنگ فقر شهری زندگی می‌کند و این عدد برای محله یافت‌آباد ۴۷ درصد است. دلیل وضعیت بهتر محله یافت‌آباد به فرهنگ فقر اولی و انتقالی و فرهنگ شهرنشینی و دسترسی‌های اهالی این محله به منابع اقتصاد شهری برمی‌گردد. چنانچه در معرفی محله‌های پژوهش گزارش کردیم، وجود بازار بزرگ مبلمان و برخی بازارهای مستقر در این محله و وجود برخی مؤلفه‌های شهری، وضعیت این محله را تحت‌تأثیر قرار داده و شیوع فرهنگ فقر شهری را تا حدودی کاهش داده است.

در جمع‌بندی فرهنگ فقر شهری به این یافته کلیدی و منطقی رسیدیم که افراد مهاجر که به دلیل فقر و به شیوه گروهی، دسته‌جمعی/قومی و فرهنگی به برخی مناطق شهر تهران مانند مناطق ۱۰ و ۱۷ شهری، کوچ و مهاجرت نموده‌اند با مهاجرت‌شان فرهنگ فقر/فرهنگ اولیه را با خودشان به محل سکونت جدیدشان انتقال داده‌اند. از این افراد آن‌هایی که در فرهنگ شهری توانستند هضم و ادغام شوند، دچار فقر فرهنگ شهری شده و با داشتن میزانی از این فقر به منابع اقتصاد شهری و فرصت‌های پایدار آن دسترسی پیدا نموده و در تله فقر شهری گرفتار شدند. این وضعیت و فرایند، فرهنگ فقر و ویژه‌گی‌های آن را گسترش و

^۱ سازه فرهنگ فقر شهری و مؤلفه‌های آن از نتایج فکوس‌گروپ تخصصی پژوهش حاضر است.

تشدید نموده و فرهنگ فقر عام/ مضاعف را مشدد می کند که در مجموع با ترکیب این ابعاد باهم دیگر، سازه و عامل فرهنگ فقر شهری شکل می گیرد که حاملان این فرهنگ را به فضاهای نامطلوب شهری که در این پژوهش آن را فقر فضای شهری نامیدیم، گسیل ساخته و ماندگار می کند تا در آن فضای شهری نامطلوب/ فقر فضای شهری به بازتولید آسیب های شهری بپردازند و از این طریق کیفیت زندگی شان را نامطلوب سازند و پایین نگه دارند.

جدول ۳. توزیع وضعیت فضای شهری محله های پژوهش بر اساس عناصر تشکیل دهنده اش

یافته های پژوهش		دامنه اندازه گیری		
منطقه ۱۰	منطقه ۱۷	فراوانی	متغیرها	عامل
هاشمی	یافت آباد	نسبی	تراکم کاربری های خدماتی محله	مطلوبیت/ فقر فضای شهری
۵۵	۳۷		تراکم کاربری های کالبدی (سازه ها و محله)	
۸۰	۳۰		تراکم کاربری های اجتماعی	
۷۰	۶۰		تراکم کاربری های مناسبات فرهنگی/ هنری	
۸۰	۷۲		میانگین	
۷۱	۵۰			

عامل میزان مطلوبیت/ فقر فضای شهری به عنوان عامل زمینه ای در پژوهش حاضر، نقش بسیار مهمی در کیفیت زندگی شهری ساکنان محله های پژوهش دارند. فضای شهری به تعبیر شهرسازان تراکم کاربری ها و به تعبیر جامعه شناسان فضا محور مانند لوفور و جامعه شناسان فرهنگی مانند بوردیو فضاهای اجتماعی و فرهنگی، به عنوان یک ساختار با میدان هایی که ایجاد می کند و مدالیت هایی که می سازد از دو جهت بر کیفیت زندگی تاثیر می گذارند. به عبارت دیگر؛ فضای شهری از یک طرف بستر ساز شکل گیری برخی آسیب ها و یا فعالیت های اقتصادی مخرب و یا مناسب می شود و با کاهش/ افزایش و یا تعدیل آن ها بر کیفیت زندگی تاثیر می گذارد. از طرف دیگر آسیب ها و فعالیت های اقتصادی نامناسب با تاثیر گذاری در فضاهای شهری و ایفای نقش در آن، فضاهای شهری را تغییر می دهند و تبدیل به فضاهای بی دفاع شهری می کنند و باز از این طریق بر کیفیت زندگی تاثیر می گذارند.

با توجه به گزارش جدول شماره ۳، وضعیت و بافتار فضای شهری محله هاشمی با ۷۱ درصد و ۲۱ درصد اختلاف با محله یافت آباد، بستر ساز مناسبی برای شکل گیری مدالیت های اقتصادی ناسالم و بروز گونه های مختلف آسیب های اجتماعی است و از این طریق کیفیت زندگی اهالی محله را تحت تاثیر قرار می دهد و می کاهد. این وضعیت در محله یافت آباد برعکس محله هاشمی است و شرایط برای کیفیت زندگی مناسب تر است و فضای شهری در قالب میدان ها و مدالیت ها در این محله هم بستر ساز فعالیت های سالم اقتصادی است و هم کمتر اجازه می دهد تا آسیب های اجتماعی در آن بازتولید شوند و در نهایت بر کیفیت زندگی اهالی این محله می افزاید.

با نگاهی به ابعاد تشکیل دهنده میزان مطلوبیت/ کیفیت و یا فقر فضای شهری محله های هاشمی و یافت آباد و یافته های پژوهشی بر اساس جدول شماره ۳، درمی یابیم که وضعیت بافت های مسکونی فرسوده، ریزدانی آن ها، وجود بناهای مخروبه شکل، سازه های مربوط به ساختمان و بناهای عمومی، زوائد بصری، تفاوت های قابل توجه کاربری های فرهنگی و تراکم های مربوط به آن ها در محله هاشمی بسیار نامطلوب تر از محله یافت آباد است.

آسیب‌های شهری^۱

جدول ۴. توزیع آسیب‌های شهری پژوهش بر اساس گونه‌های آسیب‌ها به تفکیک محله‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش		دامنه اندازه‌گیری		
منطقه ۱۷	منطقه ۱۰	فراوانی	گونه‌های آسیب‌ها	متغیر
یافت‌آباد	هاشمی	نسبی	ایمنی و امنیت محور (احساسی)	آسیب‌های شهری
۵۷	۷۰		ایمنی و امنیت محور	
۴۱	۵۷		جرم‌محور	
۳۱	۵۸		خشونت محور	
۲۴	۴۶		مدالیته محور	
۲۴	۷۵		عام	
۴۴	۵۳		میانگین	
۳۶	۶۰			

محله یافت‌آباد امن‌تر و کم آسیب‌تر از محله هاشمی است. با توجه به جدول شماره ۴، گونه‌های آسیب‌های شهری به تفکیک محله‌ها نشان می‌دهد، محله یافت‌آباد با ۲۴ درصد تفاوت معنی‌دار از انواع گونه‌های آسیب‌های اجتماعی کمتری برخوردار هستند. دو محله پژوهشی در آسیب‌های اجتماعی جرم‌محور و مدالیته‌محور از سایر گونه‌های آسیب‌ها، در دو محله متفاوت‌تر هستند. بر اساس یافته‌های پژوهشی این تفاوت معنی‌دار و قابل‌تأمل آسیب‌های اجتماعی در دو محله به ساختار اجتماعی، ساختمان جمعیتی، فضای کالبدی و تفاوت‌های فرهنگی محله‌ها و به‌ویژه به تفاوت اقتصادی و پویایی تجاری بودن دو محله و نفوذ گروه‌های مرجع اقتصادی در این دو محله مربوط می‌شود. محله یافت‌آباد به دلیل استقرار بازارهای میل و پارچه و اقتصادی و تجاری هست. آموشده‌های تجاری و ... از عامل‌های مؤثر در امنیت و ایمنی بوده و سهم آسیب‌های شهری و به‌ویژه آسیب شهری مدالیته محور در این محله کم‌تر است.

کیفیت زندگی محله‌های پژوهش

بنا به گواهی یافته‌های جدول شماره ۵، اهالی محله یافت‌آباد هم امکانات و خدمات بیشتری نسبت به اهالی محله هاشمی در محله زندگی‌شان دارند و هم نسبت به آن‌ها از زندگی راضی‌تر هستند و این رضایت در مجموع با ۱۲ درصد تفاوت به نفع یافت‌آبادی‌ها هست. البته تفاوت مزبور بیشتر در بُعد عینی (مانند امکانات و خدمات شهری) هست. یافت‌آبادی‌ها با ۵۹ درصد در برابر ۴۴ درصد هاشمی‌نشینان، از خدمات و امکانات شهری بیشتری برخوردارند.

جدول ۵. توزیع کیفیت زندگی نمونه‌های پژوهش بر اساس ابعادشان در محله‌های پژوهشی

یافته‌های پژوهش		دامنه اندازه‌گیری		
منطقه ۱۷	منطقه ۱۰	فراوانی	ابعاد	عامل
یافت‌آباد	هاشمی	نسبی	عینی	کیفیت زندگی
۵۹	۴۴		ذهنی	
۵۹	۴۹			
۵۹	۴۷			میانگین

^۱ این گونه‌شناسی از آسیب‌های شهری، محصول فکوس‌گروپ تخصصی پژوهش حاضر است.

یافته‌های تبیینی

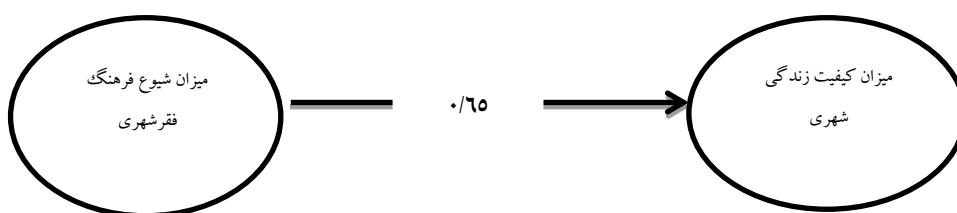
فرضیه اول " بین میزان شیوع فرهنگ فقر شهری جامعه آماری پژوهش (هاشمی و یافت‌آباد) و میزان کیفیت زندگی شهری آن محله‌ها رابطه معنی‌داری وجود دارد".

فرهنگ فقر شهری نه تنها فقر فرهنگ شهرنشینی ایجاد می‌کند، دسترسی‌ها را به خدمات معیار شهری، اقتصاد شهری و اقتصاد خرد معیشتی را هم محدود می‌سازد و بیش‌تر با انباشت فرهنگ فقر عام و مضاعف، ابعاد عینی کیفیت زندگی شهری را می‌کاهد و بعد ذهنی آن را هم به‌طور قابل توجه متمایز می‌کند. این ادعای پژوهش را هم شواهد و مستندهای مشاهده‌ی و کیفی پژوهش که در بخش توصیفی فصل حاضر گزارش نمودیم و هم نتایج جدول شماره ۶، گواهی می‌کند. T محاسبه شده برای این فرضیه در سطح معنی‌داری ۹۹ درصد تائید می‌نماید. شدت همبستگی آن دو زیاد و قدرت تبیین کننده‌گی تغییرات کیفیت زندگی شهری محله‌های پژوهش توسط میزان شیوع فرهنگ فقر شهری در این محله‌ها ۶۵ درصد است.

محله یافت‌آباد در ابعاد و وضعیت نوسازی بناها، سازه‌های مقاوم ساختمان‌های عمومی، دولتی و...، در ابعاد وضعیت شریان‌های عبوری، تراکم‌های شهری، سرانه‌ها و کاربری‌ها، معابر و مهم‌تر در بُعد کم‌تر بودن فضاهای بی‌دفاع شهری، به‌مراتب در وضعیت مناسب‌تری از محله هاشمی قرار دارد و در نتیجه، از میزان کیفیت زندگی مطلوب‌تری هم برخوردار است. البته تفاوت و تمایز آن در میان ابعاد کیفیت زندگی شهری این دو محله قابل توجه هست که در قسمت مرتبط با فرضیه اصلی آن را بیش‌تر تحلیل خواهیم کرد.

جدول ۶. توزیع مقادیر آزمون t، معنی‌داری، شدت همبستگی r و ضریب تعیین بر اساس میزان شیوع فرهنگ فقر شهری در محله‌های پژوهش و کیفیت زندگی شهری محله‌ها از نظر نمونه‌های پژوهشی

شدت همبستگی		سطح معنی‌داری	مقدار t برای میانگین دو محله	متغیرها
ضریب تعیین	ضریب همبستگی			
۰/۶۵	۰/۸۲	۰/۰۰۰	۵/۹۰	میزان شیوع فرهنگ فقر شهری در محله‌های پژوهش و میزان مطلوبیت/ کیفیت زندگی شهری



شکل شماره ۵- میزان تبیین شونده‌گی عناصر فرضیه اول

فرضیه دوم: "میزان فقر فضای شهری محله‌های جامعه آماری پژوهش (هاشمی و یافت‌آباد) میزان کیفیت زندگی شهری آن محله‌ها را تعیین و تبیین می‌کند".

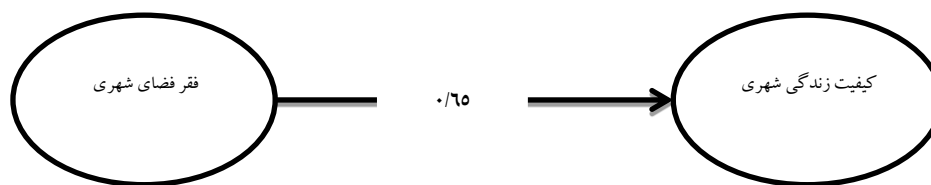
از کوزه همان تراود که در اوست. اگر به تعبیر لطیف صاحب‌نظران حوزه‌های بین‌رشته‌ای کیفیت زندگی، کیفیت زندگی در یک شهر را محتوای ذهنی و عینی و محصول نهایی شیوه و سبک زندگی بدانیم، ظرف آن فضای شهری است و میزان مطلوبیت کیفیت زندگی شهری به میزان مطلوبیت فضای شهری آن، بستگی دارد. این هم‌بستگی به ادعای جدول شماره ۶ و شکل شماره ۴،

توسعه اجتماعی ناپایدار، شهر نامتوازن و کیفیت زندگی شهری (نگاهی تلفیق‌گرا و تطبیقی به کیفیت زندگی در شهر تهران) / ۴۹

زیاد و قدرت تبیین و تعیین‌کننده‌گی تغییرات کیفیت زندگی شهری به‌توسط عامل مطلوبیت/ فقر فضای شهری ۶۵ درصد است و رابطه آن دو در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنی‌دار است.

جدول ۷. توزیع مقادیر آزمون t، معنی‌داری، شدت همبستگی ۲ و ضریب تعیین بر اساس میزان فقر فضای شهری در محله‌های پژوهش و میزان کیفیت زندگی شهری محله‌ها از نظر نمونه‌های پژوهشی

همبستگی		سطح معنی‌داری	مقدار t برای میانگین دو محله	متغیرها
ضریب تعیین	ضریب همبستگی			
۰/۶۵	۰/۸۱۸	۰/۰۰۰	۰/۴۸۵	میزان فقر فضای شهری در محله‌های پژوهش و میزان کیفیت زندگی شهری محله‌ها از نظر نمونه‌های پژوهشی



شکل شماره ۶- میزان تبیین شون‌دگی عناصر فرضیه دوم

هرچند فضای شهری به تعبیر هانری لوفردر حال شدگی و بازتولیدی است و ابعاد فضای شهری در برهم‌کنشی باهم دیگر فضای شهری را بازتولید می‌کنند، اما در فرآیند پژوهش حاضر بازتولید‌کننده کیفیت زندگی شهری هم است. به‌عبارت‌دیگر میزان تغییرات کیفیت زندگی شهری اهالی محله‌های پژوهش (هاشمی و یافت‌آباد) را میزان کیفیت و یا فقر فضای شهری‌شان تعیین و تبیین می‌کند. یافته‌ها نشان‌گر تفاوت و تمایز میان کیفیت زندگی شهری محله‌های هاشمی و یافت‌آباد است. هاشمی‌ها نسبت به یافت‌آبادی فضای نامطلوب شهری دارند، میزان کیفیت زندگی‌شان نسبت به آن‌ها به‌ویژه در بعد عینی کم‌تر و پایین‌تر است.

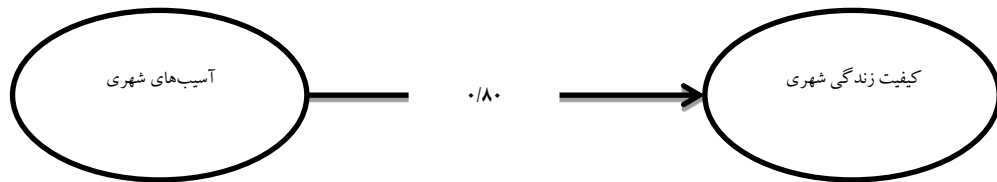
فرضیه سوم: "میزان بازتولید و شیوع آسیب‌های شهری محله‌های پژوهش، میزان تغییرات/ بازنمایی در کیفیت زندگی شهری‌شان را تعیین و تبیین می‌کند."

جدول ۸. توزیع مقادیر آزمون t، معنی‌داری، شدت همبستگی ۲ و ضریب تعیین بر اساس میزان شیوع آسیب‌های شهری در محله‌های پژوهش و کیفیت زندگی شهری محله‌ها از نظر نمونه‌های پژوهشی

همبستگی		سطح معنی‌داری	مقدار t برای میانگین دو محله	متغیرها
ضریب تعیین	ضریب همبستگی			
۰/۸۰	۰/۸۹۷	۰/۰۰۰	۰/۶۱۲	میزان شیوع آسیب‌های شهری در محله‌های پژوهش و کیفیت زندگی شهری محله‌ها از نظر نمونه‌های پژوهشی

اگر می‌خواهیم بر کیفیت زندگی بیفزاییم می‌بایست از شدت آسیب‌های اجتماعی در آن محله‌ها بکاهیم، چون که کیفیت زندگی شهری محله‌های پژوهش بوی آسیب‌های زندگی همان محله را دارد و به عبارتی کیفیت زندگی شهری محله‌های پژوهش ترجمانی از آسیب‌های شهری آن محله‌ها است و میزان تغییرات این بازنمایی تابع میزان تغییرات آسیب‌های شهری آن محله‌ها است. آسیب‌های شهری در قصه کیفیت زندگی شهری روایت می‌شود. اگر در محله و جامعه‌ی مورد پژوهش آسیب‌های اجتماعی/ شهری بیشتر باشد، کیفیت زندگی کاهش می‌یابد. هم‌چنین کیفیت زندگی پایین به‌ویژه در بُعد عینی آن می‌تواند زمینه‌ساز وقوع و

بازتولید آسیب‌های شهری باشد. در محله یافت‌آباد شیوع آسیب‌های شهری کمتر و کیفیت زندگی بیشتر بود و این فرض در مورد محله هاشمی برعکس هست و با افزایش شدت گونه‌های آسیب‌های شهری، از میزان کیفیت زندگی کاسته می‌شود. نتایج گزارش شده در جدول شماره ۸، شدت همبستگی این دو عامل پژوهشی و معنی‌دار بودن رابطه آن‌ها را در سطح اطمینان ۹۹ درصد نشان می‌دهد.



شکل شماره ۷- میزان تبیین شونده‌ی عناصر فرضیه سوم

فرضیه اصلی: "میزان شیوع فرهنگ فقر شهری (عامل پیش‌ران و علی)، از طریق تولید و بازتولید آسیب‌های شهری (عامل مداخله‌گر و میانجی) در بستر آسیب فقر فضای شهری (عامل زمینه‌ای)، نوع و میزان کیفیت زندگی شهری (عامل پیامدی) جامعه آماری پژوهش (محله‌های هاشمی/ یافت‌آباد) را توصیف، بازنمایی و تبیین می‌کند." به گواهی یافته‌های جدول شماره ۹، که براساس آزمون مدل علی پژوهش، تحلیل ضرایب مسیر و تحلیل عاملی، تدوین شده است، فرهنگ فقر شهری در کل؛ به صورت مستقیم ۷۳ درصد و از طریق عامل‌های کیفیت فضای شهری و میزان شیوع گونه‌های آسیب‌های شهری به صورت غیرمستقیم ۱۲,۴٪ واریانس عامل کیفیت زندگی را توصیف و تبیین می‌کند. برای روشنی و دقت بخشیدن به اثر عامل‌های مستقل پژوهش حاضر بر روی عامل وابسته پژوهش، تمامی عامل‌های پژوهش را در قالب یک مدل علی و با سنجش ضرایب اثرگذاری عامل‌ها به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر روی عامل وابسته سنجش نمودیم که یافته‌های مرتبط با آن در جدول شماره ۹ و شکل شماره ۷، نشان داده می‌شود. بنابراین برای تلفیق نتایج و ساده‌تر شدن تفسیر تحلیل مسیر، تأثیر ۳ عامل مستقل تأثیرگذار بر متغیر میزان کیفیت عامل وابسته وجود دارد که احتمال رخ داد آن‌ها را به سه صورت زیر نشان می‌دهیم:

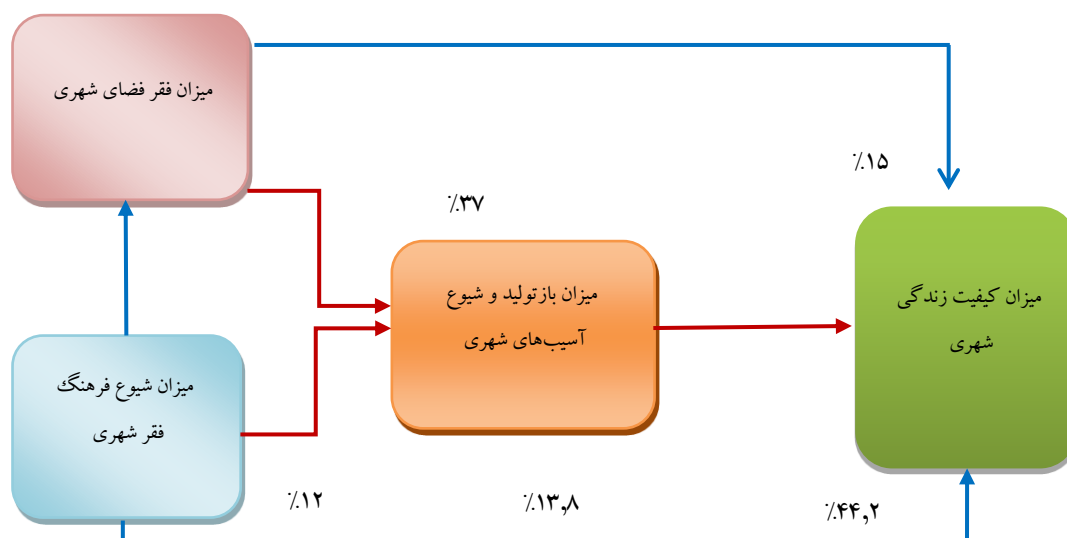
۱. عامل‌هایی که صرفاً به صورت مستقیم بر عامل میزان کیفیت زندگی نمونه‌های پژوهش تأثیر دارند.
۲. عامل‌هایی که صرفاً به صورت غیرمستقیم بر عامل میزان کیفیت زندگی نمونه‌های پژوهش تأثیر گذاشته‌اند.
۳. عامل‌هایی که علاوه بر تأثیر مستقیم به صورت غیرمستقیم و با واسطه عامل وابسته میانی بر عامل میزان کیفیت زندگی نمونه‌های پژوهش تأثیر گذاشته‌اند.

محاسبه تأثیر مستقیم: تأثیر مستقیم در واقع همان ضریب تأثیر رگرسیونی هر عامل مستقل بر عامل وابسته است. مقدار این تأثیر را می‌توان از خروجی تحلیل رگرسیون به دست آورد که به استناد اطلاعات جدول شماره ۹، میزان تأثیر مستقیم عامل میزان شیوع فرهنگ فقر شهری در دامنه محله‌های پژوهش، برابر ۴۴,۲ درصد می‌باشد. در مجموع عامل‌های مستقل پژوهش ۸۵ درصد واریانس کیفیت زندگی نمونه‌های پژوهش را تبیین می‌کنند.

محاسبه تأثیر غیر مستقیم: برای به دست آوردن مقدار تأثیر غیر مستقیم هر عامل مستقل بر عامل وابسته، ابتدا باید تمامی مسیرهای تأثیرات غیر مستقیم هر متغیر مستقل بر متغیر وابسته را در هم ضرب و سپس ما حاصل تمامی این تأثیرات را با هم جمع کنیم که در مجموع حدود ۱۲ درصد می‌باشد.

جدول ۹. توزیع تأثیر مستقیم و غیر مستقیم عامل‌های پژوهش و آزمون تجربی مدل پژوهش

عامل‌ها	انواع تأثیر (نسبی)	
	مستقیم	غیر مستقیم
میزان شیوع فرهنگ فقر شهری	٪۳۴٫۲	٪۱۲
میزان فقر / مطلوبیت فضای شهری	٪۱۵	٪۱۱
شدت باز تولید و شیوع آسیب‌های شهری	٪۱۳٫۸	-
کل	٪۷۳	٪۱۲٫۴



شکل ۸- مدل تجربی پژوهش (منبع: پژوهش‌گر)

نتیجه‌گیری، بحث و پیشنهادات کاربردی

برای نتیجه‌گیری با یادآوری مجدد مسئله مقاله حاضر و در پاسخ پیش‌دستانه خلاصه‌گون و مفروض، با مدد بینش‌های نظری بین‌رشته‌ای مرتبط با مسئله مزبور، باید گفت؛ توسعه ناپایدار کشور به‌عنوان یک عامل پیش‌ران و علی، موجب شکل‌گیری فرهنگ فقر شهری که ترکیبی از فقر مضاعف مانند؛ فرهنگ فقر اولی و انتقالی از مناطق فقیر روستایی و شهری مهاجر فرصت، فقر فرهنگ شهری / شهرنشینی و فقر فضای شهری / حاشیه‌نشینی است، می‌شود. در ادامه فرآیند زایش آسیب‌های فرهنگی اجتماعی، فرهنگ فقر شهری در شهری با توسعه نامتوازن ساکن و هم‌افزا گشته و با بازتولید و شیوع آسیب‌های شهری به‌عنوان عامل میانجی و مداخله‌گر در کیفیت زندگی شهری بازنمایی می‌گردد. با این وصف، قصه پر غصه کیفیت زندگی برخی شهرنشینان تهرانی در غربت غبار حاشیه‌نشینی تعریف می‌شود و ترجمانی از آسیب‌های فرهنگی اجتماعی ناشی از توسعه ناپایدار است. به عبارت دیگر؛ بازنمایی آسیب‌های فرهنگی اجتماعی در کیفیت زندگی شهری، از نقطه عزیمت یک آسیب علی و بنیادی به نام فرهنگ فقر شهری شروع و در فرآیند و بستر آسیب بزرگ دیگری به نام حاشیه‌نشینی (که محصول توسعه نامتوازن شهری است)، استمرار و با بازتولید آسیب‌های نوینی به نام آسیب‌های شهری، در کیفیت زندگی حاملان آش بازنمایی و به حیات آش ادامه می‌دهد و

از این رو، چرخه پایان پی‌آمدی و کارکرد پنهان توسعه ناپایدار کشور به نقطه شروع و آغازین یک توسعه نامتوازن شهری می‌رسد. به تعبیر تودارو^۱ (۱۹۷۷)، صاحب‌نظر پرآوازه عرصه اندیشه‌های توسعه، مهاجر فقیر به دلیل چرخه و فرآیند معیوب توسعه‌نیافتگی، از «چاله‌ی روستا برمی‌خیزد و به چاه‌ی در شهر می‌افتد» و با این وصف، زندگی متضرر شوندگان از توسعه ناپایدار هر چند کیفیت ندارد ولی آسیب‌های فراوانی دارد. مگر این که با داروی توسعه پایدار ملی و متوازن شهری و محلی، درمان گردد و با زنجیره‌های پیشگیرانه کاربستی توسعه‌یافتگی، آسیب‌های شهری به زنجیر کشیده شوند.

با توجه به مباحث نظری نظریه‌های شهری، انتشار و پخش فضایی، رینگ دوم/ انتقالی بودن محله‌های پژوهش در انتقال مسائل و آسیب‌های شهری و موارد فرهنگی و اجتماعی دخیل در این فضاهای شهری و به‌طور خاص بر اساس نظریه مک آندور، هاکت و دیوید هاروی در مورد فضای شهری، امیدهای اجتماعی و به‌طور خاص فضاهای بی‌دفاع شهری، شرایط نامطلوب در قلمرو پژوهشی پژوهش حاضر برای تولید و بازتولید آسیب‌های اجتماعی، بی‌دفاع شدن فضای شهری به دلیل اجرای برخی اقدامات مداخله‌ی مانند ادامه بزرگ‌راه یادگار امام جنوب و به تعبیر هاروی سهم هولناک معماران و مهندسان شهرسازی به‌طور خاص در منطقه ۱۰ و محله هاشمی، برخی مهاجرت‌ها، سرانه‌های شهری، تراکم جمعیتی، کالبدی و نوع کاربری‌ها و بافت فرسوده و ... کیفیت زندگی در این مناطق البته با واریانس‌های معنی‌داری به‌شدت پایین است و به تعبیر هاروی امیدهای اجتماعی در این محله‌ها و به‌ویژه در محله هاشمی و برای غالب آمدن به نابسامانی‌های اجتماعی، تعدیل آسیب‌های شهری، پویا ساختن فضای شهری و برای بر ساخت کیفیت زندگی مطلوب، کمتر است و به نظر بوردیو^۲ (۱۹۸۴)، به دلیل پایین بودن سرمایه‌ها و به‌ویژه سرمایه فرهنگی (گروه‌های مرجع تعالی‌بخش و امید افزا اقتصادی و مدنی) و پایین بودن سرمایه اجتماعی افقی در محله هاشمی از دلایل این وضعیت نگران‌کننده در این محله است.

به تعبیر مک آندور، پیامدهای منفی تراکم و به وجود رابطه میان تراکم فضایی بالا با آشفتگی‌های رفتاری، رفتارهای ناهنجار و آسیب‌های اجتماعی در این محله‌ها و به‌ویژه محله هاشمی رابطه منطقی دارد. چراکه تراکم بالا و به‌ویژه تراکم بلندمدت و ماندگار، مهم‌ترین تهدیدکننده برای فضای شهری مطلوب و مانعی برای کاهش آسیب‌های شهری و افزایش کیفیت زندگی است. در واقع فضا یکی از منابع حیاتی برای تأمین نیازهای اساسی انسان است و تراکم نامطلوب، عملکرد این منبع حیاتی را مختل کرده و آن را در تنگنا قرار می‌دهد. بدیهی است افزایش تراکم چه به‌صورت کاهش سهم و سرانه برخورداری افراد از مجموعه امکانات و خدمات شهری و در نتیجه تهدید سطح "رفاه اجتماعی"^۳ و چه به‌صورت عاملی مؤثر در کاستن از نظارت‌های رسمی و شرایط مناسبی برای شکل‌گیری برخی آسیب‌های اجتماعی فراهم آورده و شانس موفقیت در اقدام به رفتارهای ناهنجار، جرم و آسیب‌ها را افزایش می‌دهد.

باید یادآور شد هم بین بُعد عینی و بُعد ذهنی کیفیت زندگی در این دو محله و هم بین عامل‌های پژوهش با عامل کیفیت زندگی رابطه و همبستگی وجود دارد. از این‌رو بررسی عامل کیفیت زندگی بدون توجه به نقش و کنش‌گری عامل‌های موردنظر، یک بررسی ناقص و تک‌عاملی است. عامل آسیب‌های اجتماعی با همه گونه‌هایش با راهبری راهبردی عامل اصلی پژوهش و در تعامل و کنش‌گری با عامل فضای شهری، به‌صورت مستمر در فرآیند تولید و بازتولیدش بر کیفیت زندگی محله‌های پژوهش تأثیر معنی‌داری دارد. این تأثیر هم به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم و هم چنین به‌صورت دومتغیره در قالب یک مدل علی و تحلیل عاملی قابل اندازه‌گیری است. توجه به نقش عامل‌های پژوهش و به‌ویژه در قالب یک زنجیره و در یک فرآیند تعاملی، مهم است و مهم‌تر فهم این عامل‌ها در تمامیتش است که می‌توان با تسامح آن را فضا نامید. برای فهم، توصیف و تبیین وضعیت آسیب‌های اجتماعی جامعه آماری پژوهش می‌بایست به نظریه‌های پخش فضایی آسیب‌ها، فضای بی‌دفاع شهری، نابسامانی

^۱ Todaro

^۲ Bourdieu

^۳ social welfare

اجتماعی، تعامل مثلی مفاهیم کلیدی میدان، منش و سرمایه اجتماعی بوردیو توجه نمود که چگونه امید اجتماعی را در به زیست کردن این محله‌ها کاهش می‌دهد و شرایط را برای بازتولید آسیب‌های اجتماعی فراهم می‌سازد و در تعامل بین عاملان اجتماعی فعال (عامل پیش‌ران و علی فرهنگ فقر شهری) و ساخت‌های کالبدی و اجتماعی که در این محله‌ها وجود دارد، به تعبیر نظریه ساختی و عاملیتی گیدنز، موجب برساخت کیفیت زندگی شهری می‌شود.

در جمع‌بندی یافته‌های پژوهش می‌توان تحلیل کرد که برساخت کیفیت زندگی شهری نا/ کم مطلوب شهرنشینان برخی محله‌های مناطق ۱۰ و ۱۷ شهری شهرداری تهران، به این شرح است که بستر زمینه‌ای به نام فضای نامطلوب/ فقر فضای شهری، موجب زایش و بازتولید آسیب‌های جدیدی به نام آسیب‌های شهری شده و کیفیت زندگی شهری‌شان را معنی می‌بخشد و تعیین می‌کند. به عبارت دیگر عامل پی‌آمدی سازه چندبعدی، پیچیده و پایدار ساختمان کیفیت زندگی شهری، نمایان، ترجمان و بازنمایی زنجیره‌ی از عامل‌های ناشی از توسعه ناپایدار کشور و توسعه نامتوازن شهر تهران است که در قالب یک مدل علی به آزمون کشیده شده است.

منابع

- احمدی، قادر؛ نادری کروندان، سونیا. (۱۳۹۲). مطالعه تطبیقی کیفیت زندگی در محلات بافت جدید و قدیم شهری (نمونه موردی: محله شهرک قدس و قطارچیان شهر سنندج). فصلنامه مطالعات شهری، ۲(۸)، ۷۱-۸۱.
- ایمانی، محمد تقی. (۱۳۸۹). مبانی پارادایمی روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی (چاپ اول). تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- باقری کشکولی، علی؛ ذاکریان، ملیحه. (۱۳۹۹). فقر و خشونت شهری (ماهیت و مفاهیم) (چاپ اول). تهران: صالحیان.
- بوردیو، پیر. (۱۹۸۴). تایمز: نقد اجتماعی قضاوت‌های ذوقی (چاپ چهارم). مترجم: حسن چاوشیان، حسن. (۱۳۹۵). تهران: ناشر ثالث.
- پوراحمد، احمد؛ فرجی ملائی، امین؛ عظیمی، آزاده؛ لطفی، صدیقه. (۱۳۹۱). تحلیل طبقه‌بندی کیفیت زندگی شهری با روش SAW. پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۴۴(۴)، ۲۱-۴۴. <https://doi.org/10.22059/jhgr.2013.29382>
- پورطاهری، مهدی؛ افتخاری، عبدالرضا رکن‌الدین؛ فتاحی، احد ا.... (۱۳۹۰). ارزیابی کیفیت زندگی در نواحی روستایی، (مطالعه موردی: دهستان خاوه شمالی، استان لرستان). پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۴۳(۲)، ۱۳-۳۳.
- پیران، پرویز. (۱۳۸۴). فقر و جنبش‌های اجتماعی در ایران. فصلنامه رفا اجتماعی، ۵(۱۸)، ۱۷-۶۲.
- توانا، مصطفی؛ صوفی نیستانی، مینا. (۱۳۹۵). سنجش عوامل محیط کالبدی موثر بر آسیب‌های اجتماعی در بافت‌های پراکنده روی شهری نمونه مورد مطالعه: محله شادآباد تهران. اولین همایش سراسری مباحث کلیدی در مهندسی عمران، معماری و شهرسازی ایران، گرگان.
- تودارو، مایکل. (۱۹۷۷). توسعه اقتصادی در جهان سوم (چاپ نوزدهم). ترجمه فرجادی، محمد حسین. (۱۳۹۱). تهران: انتشارات کوهسار.
- حاجی‌نژاد، علی؛ قادری، جعفر؛ قاسمی قاسموند، عزت‌الله. (۱۳۹۵). تحلیل و ارزیابی نابرابری‌های کیفیت زندگی در محلات شهری (نمونه موردی: شهر فارس). فصلنامه علمی برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۶(۲۱)، ۱۶۷-۱۷۸. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.22516735.1395.6.21.13.1>
- خادم‌الحسینی، احمد؛ منصوریان، حسین؛ ستاری، محمدحسین. (۱۳۸۹). سنجش کیفیت ذهنی زندگی در نواحی شهری (مورد: شهر نورآباد، استان لرستان). فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی، ۱(۳)، ۴۵-۶۰.

- زبردست، اسفندیار؛ حبیبی، سارا. (۱۳۸۸). بررسی پدیده پراکنده‌رویی و علل آن در شهر زنجان. *مجله هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی*، ۱(۳۸)، ۱۱۵-۱۲۴.
- زند، فرهاد؛ شاه‌کریمی، مصطفی؛ کیمیایی فرد، فهیمه. (۱۳۹۵). سنجش شاخص‌های کیفیت عینی و ذهنی در زندگی شهری (مطالعه موردی: شهر خرم‌آباد). *چهارمین کنگره بین‌المللی عمران، معماری و توسعه شهری، تهران، دبیرخانه دائمی کنفرانس، دانشگاه شهید بهشتی*.
- زندگی آبادی، علی؛ پرهیز، فریاد؛ خیام‌باشی، احسان. (۱۳۹۴). تحلیل زمانی- مکانی آسیب‌های اجتماعی مرتبط با مواد مخدر (مطالعه موردی: منطقه ۱۲ شهر تهران). *پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران*، ۴(۱)، ۹۵-۱۱۶.
- سعیدی، علی اصغر؛ حسین آبادی، مهدی؛ بهرامی، اردشیر. (۱۳۹۱). بررسی رابطه احداث پروژه‌های توسعه شهری و آسیب‌های اجتماعی (مورد مطالعه: سوله بازیافت پل کن منطقه ۹ تهران). *فصلنامه مطالعات شهری*، ۲(۳)، ۱۴۷-۱۰۹.
- سلیمانی، محمد؛ منصوریان، حسین؛ براتی، زهرا. (۱۳۹۲). سنجش کیفیت زندگی در محله‌های در حال گذار شهری، (مورد مطالعه: محله دروازه شمیران از منطقه ۱۲ شهر تهران). *فصلنامه انجمن جغرافیای ایران*، ۱۱(۳۸)، ۷۵-۵۱.
- فیروزی، محمدعلی؛ مدانلو جویباری، مسعود. (۱۳۹۶). واکاوی آسیب‌های اجتماعی در محلات فرسوده شهری (نمونه موردی: منطقه سه شهر ساری). *مجله آمایش جغرافیایی فضا*، ۷(۲۴)، ۴۷-۶۰.
- کریمیان گله، هاجر؛ تقی‌پوی، شهاب؛ بیات، پرویز. (۱۳۹۵). تحلیل و بررسی آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی در فضای شهری. *اولین همایش بین‌المللی انسجام مدیریت و اقتصاد در توسعه شهری، تبریز*.
- کوبکی، افشین. (۱۳۸۴). *برنامه‌ریزی به منظور ارتقاء کیفیت زندگی شهری در مرکز شهر، مورد مطالعه: پهنه مرکزی شهر خرم‌آباد*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- گنجی، والیه. (۱۳۸۷). ارتباط فقر با میزان رعایت قانون حاشیه‌نشینان و شکل‌گیری آسیب‌های اجتماعی. *فصلنامه علمی و پژوهشی علوم اجتماعی*، ۴(۱۶)، ۱۱۵-۱۳۱.
- گیدنز، آنتونی، (۲۰۰۶). *جامعه‌شناسی (چاپ پانزدهم)*. ترجمه صبوری، منوچهر. (۱۳۸۴). تهران: نشر نی.
- لوئیس، اسکار. (۱۹۶۴). *پدرو مارتینز (چاپ اول)*. ترجمه کامرانی، حشمت‌اله. (۱۳۶۴). تهران: انتشارات ایران یاد.
- محمدی، جمال؛ علی‌زاده، جابر؛ رحیمی، حمزه؛ افشاری پور، علی. (۱۳۹۵). بررسی تاثیر سطح رضایت از کیفیت زندگی بر احساس امنیت اجتماعی (مطالعه موردی: روستا- شهر اصلاندوز). *پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی*، ۵(۳)، ۲۱-۳۴. <https://doi.org/10.22108/ssoss.2016.20959>
- مهاجری، اصغر. (۱۳۹۷). *بررسی تاثیرات اجتماعی و فرهنگی احداث و توسعه ادامه بزرگراه یادگار امام جنوب*. دانشگاه تهران، پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری جهاد دانشگاهی.
- مولاینتن، سند هیل. (۲۰۱۳). *قصر/حمق می‌کند (چاپ اول)*. ترجمه میرابوطالبی، امیر حسین. (۱۳۹۸). تهران: انتشارات ترجمان علوم انسانی.
- ناظری، سیما، اصغر مهاجری و حمید انصاری. (۱۴۰۰). جامعه‌شناسی تطبیقی راهبردی گروه‌های مرجع در بر ساخت کیفیت زندگی و رفاه شهری. *فصل‌نامه برنامه‌ریزی و رفاه توسعه اجتماعی*، ۴(۴۶)، ۳۰ تا ۵۷.
- نجات، سحرناز. (۱۳۸۷). کیفیت زندگی و اندازه‌گیری آن. *اپیدمیولوژی ایران*، ۴(۲)، ۶۲-۵۷. <http://irje.tums.ac.ir/article-1-146-fa.html>
- نوابخش، فرزاد و دیگران، (۱۳۸۷). ارتباط فقر با میزان رعایت قانون حاشیه‌نشینان و شکل‌گیری آسیب‌های اجتماعی. *پژوهشنامه علوم اجتماعی*، ۱(۳).

توسعه اجتماعی ناپایدار، شهر نامتوازن و کیفیت زندگی شهری (نگاهی تلفیق‌گرا و تطبیقی به کیفیت زندگی در شهر تهران) / ۵۵

- هاروی، دیوید و همکاران. (۲۰۱۶). *مطالعات شهری؛ نظریه و عمل* (ج ۱) (چاپ اول). ترجمه خالصی مقدم، نرگس؛ ترکمه، آیدین. (۱۳۹۶). تهران: موسسه نشر شهر.
- هاروی، دیوید. (۲۰۱۰). *عدالت اجتماعی و شهر* (چاپ دوم). ترجمه حسامیان فرخ؛ حائری، محمدرضا. (۱۳۸۲). تهران: انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- هگزا، گروه مهندسين. (۱۳۹۹). *گزارش اقدام عملی احداث ادامه بزرگ‌راه یادگار امام جنوب تهران*. تهران: معاونت عمرانی شهرداری تهران.
- واعظ مهدوی، محمدرضا و همکاران. (۱۳۹۳). *نتایج دور دوم طرح سنجش عدالت در شهر تهران ۱۳۹۰*. تهران: الوند پویان.
- Böhnke, P. (2008). Does society matter? Life satisfaction in the enlarged Europe. *Social indicators research*, 87, 189-210.
- Bourdieu, Pierre. (2000). *Pascalian Meditations*. Translated by Richard Nice. Oxford: Polity Press.
- Bourdieu, Pierre, (1977) *Outline of a Theory of Practice*, Cambridge, Cambridge University Press.
- Das, D. (2008). Urban quality of life: A case study of Guwahati. *social indicators research*, 88, 297-310.
- Ferrans, C. E. (1992). Conceptualizations of quality of life in cardiovascular research. *Progress in cardiovascular nursing*, 7(1), 2-6.
- Ferrans, C. E. (1996). Development of a conceptual model of quality of life. *Scholarly inquiry for nursing practice*, 10(3), 293-304.
- Glimm, E. (1996). *Fisher, NI: Statistical Analysis of Circular Data*. Cambridge University Press, Cambridge, UK 1995. 277 pp., £ 16.95.
- Coleman, J, S. (1988), Social capital in the creation of human capital, *American Journal of sociology*: 95-112.
- Greve, B. (2020). *Poverty: The Basics*, Routledge, 2 park square, Milton park, Abingdon, Oxon OX14 4RN.
- Lee, E. (1989). *A theory of migration*, Translator Bijan Zare, Compiled by abdali lahasaei zade, navid Publication.
- Lee, Y. J. (2008). Subjective quality of life measurement in Taipei. *Building and environment*, 43(7), 1205-1215.
- Marans, R. W., & Stimson, R. J. (Eds.). (2011). *Investigating quality of urban life: Theory, methods, and empirical research* (Vol. 45). Springer Science & Business Media.
- Moons, P., Budts, W., & De Geest, S. (2006). Critique on the conceptualisation of quality of life: a review and evaluation of different conceptual approaches. *International journal of nursing studies*, 43(7), 891-901.
- Neuman, W.L. (1997). *Social Research Methods, Qualitative and Quantitative Approaches*, Londnn: Allyn Bacon.
- Shaw, C. R., & McKay, H. D. (2012). *The social disorganization theory*. Center for Spatially Integrated Social Science, Retrieved from www.csiss.org/classics/content/66. www.ssiss.org/classics/content/66.
- Zainal, N. R., Kaur, G., Ahmad, N. A., & Khalili, J. M. (2012). Housing conditions and quality of life of the urban poor in Malaysia. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 50, 827-838.
- <https://www.numbeo.com>.
- <https://www.Wikipedia.Com>